

امام زمان (عج) در تورات

امام زمان (عج) در انجیل

امام زمان (عج) در قرآن

عجل الله
فرجه

امام زمان

موعود انبیاء و امید بشریت

تألیف: جواد شریعتی

امام زمان (عج)؛

موعود پیامبران و امید بشریت

جواد شریعتی

شریعتی، جواد
امام زمان موعود پیامبران و امید بشریت / مؤلف جواد شریعتی--
اصفهان: خاتم الانبیاء، ۱۳۸۴.
۱۱۲ ص.

ISBN 964-8378-13-4 :

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه: ص. [۱۰۷]-۱۱۲؛ همچنین به صورت زیر نویس.
۱. مهدویت. ۲. مهدویت در ادیان. ۳. محمد بن حسن (عج)،
امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. ۴. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق.--
پیشگوئیها. الف. عنوان.
۸ الف ۴ ش / ۴ / ۲۲۴ BP
۲۹۷/۴۶۲

شناسنامه

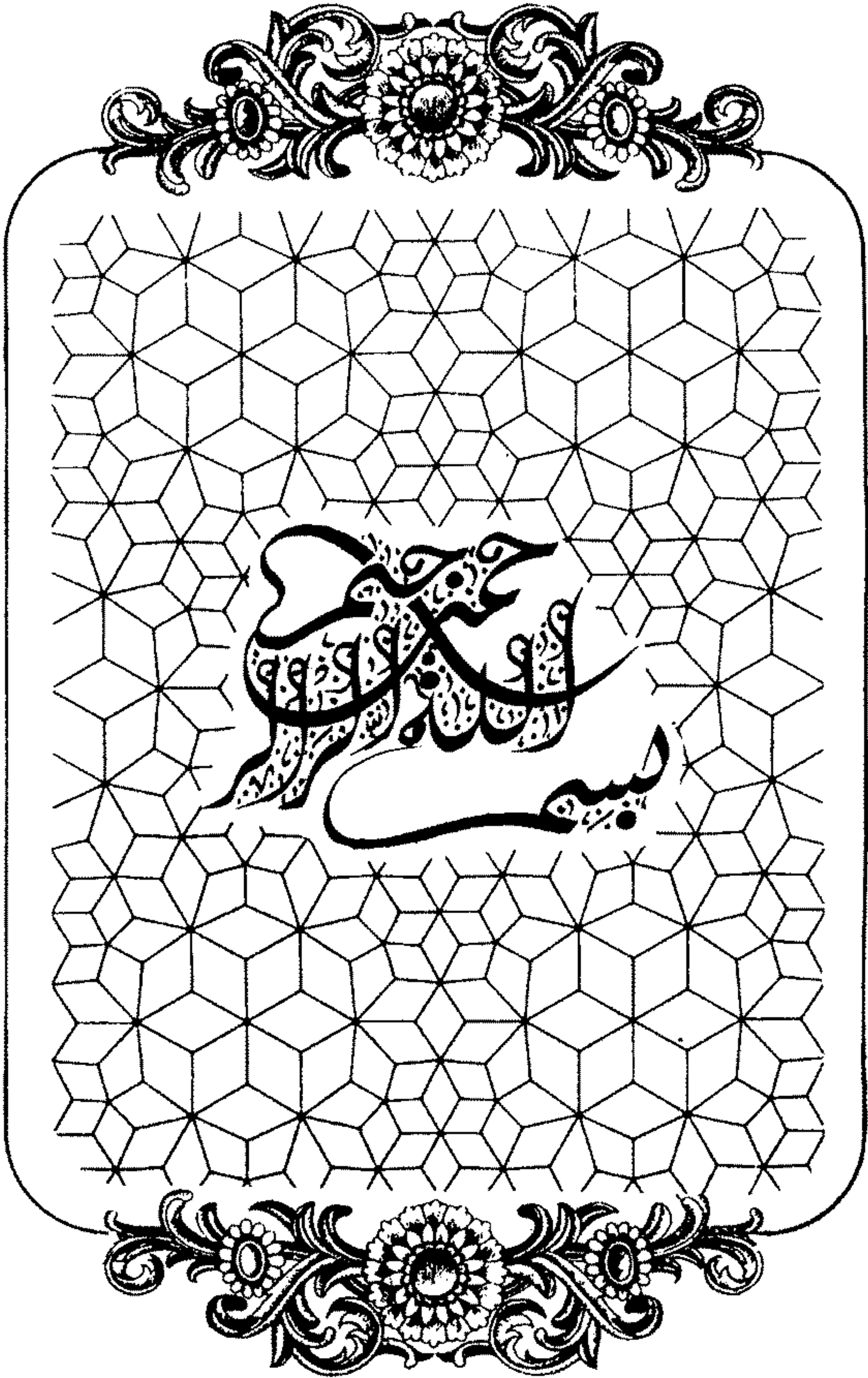
نام کتاب: امام زمان موعود پیامبران و امید بشریت
مؤلف جواد شریعتی
چاپ کوثر
تیراژ ۳۰۰۰
نوبت چاپ اول - تابستان ۸۴
قطع رقعی - ۱۱۲ صفحه
قیمت ۸۰۰ تومان
شابک ۹۶۴-۸۳۷۸-۱۳-۴

آدرس: اصفهان، میدان امام، خیابان حافظ، ایستگاه کرمانی،

کوی خلیفه سلطانی، انتشارات خاتم الانبیا

۰۹۱۳۳۱۰۸۶۴۷ - همراه ۲۲۳۶۷۳۹ - ۲۲۱۳۰۵۰

حق چاپ مخصوص مؤلف است



فهرست مطالب

۷	مقدمه
۲۱	امام زمان (عج) و علائم ظهور در تورات
۲۵	امام زمان (عج) و علائم ظهور در انجیل
۳۱	امام زمان (عج) و علائم ظهور در قرآن
۳۹	امام زمان (عج)؛ موعود پیامبران و امید بشریت
۴۲	قطعیت ظهورش
۴۳	نیاکان مهدی (عج)
۴۴	سیمای حضرت مهدی (عج)
۴۵	علت نامگذاریش به «مهدی» و «قائم (عج)»
۴۶	حکمت غیبت
۴۸	اسرار غیبت
۴۸	حضورش در زمان غیبت کبری
۴۹	انتظار موعود
۵۰	فضای جامعه پیش از ظهور
۵۲	علائم عمومی ظهورش
۵۳	علائم حتمی ظهورش



- ۵۹ زمان ظهور حجت (عج)
- ۶۰ مکان ظهور حجت (عج)
- ۶۰ فضای ظهور
- ۶۱ مکان بیعت و ظهورش
- ۶۱ زمینه‌سازان ظهورش
- ۶۲ یاوران مهدی (عج)
- ۶۳ کیفیت انتخاب یاورانش
- ۶۴ جنسیت و ویژگی یاورانش
- ۶۵ شعار یارانش
- ۶۵ پیروان مهدی (عج)
- ۶۷ دشمنان حضرت
- ۶۸ سیرت امام زمان (عج)
- ۷۸ آثار ظهور دولت یار «همدلی و رستگاری و فراوانی نعمت»
- ۷۹ آثار ظهور دولت یار در دل و جان انسان
- ۷۹ آثار ظهور دولت یار در کهکشان، انسان و جانداران
- ۸۱ عمر دولت یار
- ۱۰۷ منابع و مأخذ

مقدمه

بی تردید، بشر همیشه و همواره در طول تاریخ، از آغاز تولد خویش از ظلم و بیداد و جور و جهل و استبداد حاکمان در هر نقطه از زمین و در هر زمان رنج می‌برده است و با گذشت زمان، به ویژه آیندگان، از مدعیان عدالت و منادیان دروغ انسانیت، بیش از هر زمان از فریب و نیرنگ حاکمان و مردم فریبی و سوء استفاده از دین و به بند کشیدن آئین از یک سو و بازیچه قرار دادن عقل و خرد و اندیشه آنان از سوی دیگر، متنفر خواهند شد و این نفرت و بیزاری و برائت و تنفر از آن، از غریزه‌های طبیعی بشر است؛ که نه تنها عقل و خرد آدمی، بلکه وجدان‌های بیدار همه انسان‌های آزاده آن را محکوم می‌کند و هر دم و لحظه، خواهان نابودی و زدودن آن از جامعه هستند و این آرزوی نهان و یا عیان در نهاد همه انسان‌هاست. بیهوده نیست که برخی از اندیشمندان و فلاسفه جهان و عارفان، در هر زمان، در پی آمال و آرزوهای خویش و در سرزمین‌های رؤیایی و خیالی خود و در اندیشه سبز خویشان در آرزوی مدینه فاضله‌ای بوده‌اند و از همین دیدگاه و

در بستر زمان و در پاسخ به ندای اندیشهٔ درونی و برای رسیدن به سرزمین ایده‌آل خویشتن و همراهی با ندای فطرت، خواستار عدل و داد و ریشه‌کن ساختن بنیاد بیداد به هر سمت و سویی روان گشته‌اند؛ تا شاید کسی آنان را به سرزمین و شهر صلح و مهر و محبت رهنمون سازد، تا در کوچه‌های آن نشانی از عدالت بیابند و این انتظار علیرغم اختلاف رنگ‌ها و اندیشه‌ها و حتی دین‌ها و آیین‌ها و دانش‌ها و ملیت‌ها و قومیت‌ها در نهان همه انسان‌ها نهفته است و در سرزمینی که عدالت استوار گردد و فضیلت‌ها بر درخت ایمان پربار گردد و ارزش‌های انسانی و مکارم اخلاقی زنده و سرشار گردد، آن سرزمین بهشت موعود آنهاست، و آن فرشته نیکخویی و مظهر نیکنامی همچون سروش آسمانی نجات‌بخش آنان است و از سویی دیگر انسان به آرامش و آسایش و زیستن در جامعه‌ای به دور از هرگونه ظلم و ستم و تبعیض و مآل‌مال و سرشار از مهر و محبت و تهی از بغض و کینه و نفرت و دروغ و تهمت و پایمال‌کننده انسان و انسانیت نیاز دارد؛ تا با زیستن در سایه سار عدالت و حاکمیت حکمت، به پرورش و خلاقیت خرد و اندیشه پردازد و به اوج کمال و معنویت و تعالی و رشد انسانیت بال و پرکشد و در اندیشه گسستن از بند بندگی آدمیان و بردگی ستمگران و رها شدن از غل و زنجیر حاکمان برون و رهایی از



دیو، شهوت و هواها و هوس‌های درون بوده است و این، رمز و راز بعثت پیامبران و مصلحان الهی بوده است که ﴿... وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ...﴾ «الاعراف / ۱۵۷»، «... و بارهای سنگین و زنجیرهایی که بر آنها می‌باشد، از دست و گردنشان برمی‌دارد.»

عدالت خواهی و ظلم ستیزی و حاکمیت بندگان صالح و شایسته الهی بر زمین و حکومت صالحان و نجات ستمدیدگان و مستضعفان در جهان و رهایی از نیرنگ زرداران و ستم زورمداران و تزویر فریب‌کاران و رهیدن از راهبان دنیا دوست و رستن از اسقفان رضوان فروش و خاخام‌های زراندوز و قارون صفت و کاهنان مردم فریب و دین فروش و عالمان دنیا پرست آیین فروش و پیراستن دین از بدعت بدعت‌گذاران و پیوند بستن با سنت پیامبران؛ این سنت قطعی الهی و وعده راستین خدایی و ضرورت حتمی و تاریخی و قرآنی است؛ چه، خداوند، وعده آن را به آنان داده است ﴿و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ «القصص / ۵»، «ما می‌خواهیم که بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم.»

این وعده تخلف‌ناپذیر و راستین الهی است که همه مستضعفان جهان را از هر قوم و دین و آئین، نجات می‌بخشد و صالحان نه تنها

وارث زمین که حاکمان زمان و پیشوایان آنان در این جهان خواهند شد، و همه در بیم و امید چشم به راه رادمردی و در انتظار موعودی هستند؛ که زنجیر غلامان را بشکند و سقف را بشکافد و طرحی نو دراندازد.



اینک آن یار می آید:

علی علیه السلام از پیامبر پرسید: آیا مهدی علیه السلام از خاندان ماست یا از دیگران است؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: بلکه او از خاندان ماست، همان گونه که آغازش - این رسالت - از ما بوده است، پایان آن نیز از ماست و همان گونه که آنان را از شرک و بت پرستی رهایی بخشیده ایم، ما نیز آنان را از گمراهی و ضلالت و ذلت و فتنه، نجات می بخشیم و همان گونه که پس از رهایی از شرک و کیش بت پرستی، دل ها مهربان گشتند، از ماست که پس از کینه توزی در فتنه ها دل هایشان با دین و آیین مهربان می گردد^۱ و اسلام همان گونه که ناشناخته و غریبانه آغاز شد، بار دیگر نیز غریبانه مطرح و عرضه خواهد شد.^۲

۱. المعجم الاوسط ۱ / ۱۳۶ / ۱۵۷، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ۹ / ۲۰۶ / خ ۱۵۷، عقد الدرر ۲۵ / ب ۱ و ص ۴۲ / ب ۷، المجمع ۷ / ۶۱۶ / ۱۲۴۰۹، کنز العمال ۱۴ / ۵۹۸ / ۳۹۶۸۲، ینابیع المودة ۱۸۱ / ب ۵۶، کمال الدین ۱ / ۲۳۰ / ۳۱، الامالی مفید ۲۸۸ / م ۳۴ / ۷، بحار الانوار ۳۲ / ۲۹۷ / ب ۷ / ۲۵۷، ۳۲ / ۳۰۸ / ۲۷۴، ۵۱ / ۸۴ / ۳۴، ۵۱ / ۹۳ / ب ۱ / ح ۱۱، مقدمه ابن خلدون ص ۲۵۲ / ب ۵۳.

۲. بحار الانوار ۵۲ / ۳۶۶ / ب ۲۷ / ۱۴۷. الغیبة نعمانی ۳۲۰ / ب ۲۲ / ۱ و ۴ و ۵.



لینک انتظار

یعنی اعتراض به همه آنچه که هست و در آرزوی بودن آنچه که باید باشد و «نه» گفتن به مدعیان عدالت و منادیان دروغین نبوت و امامت و دیو سیرتان و گندمنمایان جو فروش و اعتراض به همه روش‌ها و منش‌ها و کارها و کردارها و «نه» گفتن به همه بدعت‌ها و فریب‌ها و نیرنگ‌ها و بند بندگی از غیر گسستن و رستن و رهایی از حضيض ذلت و رسیدن به اوج کمال و عزت است.

انتظار

یعنی امید به رهایی انسان و انسانیت از ظلم و زور و ستم و بیداد و خونریزی و نژادپرستی و قومیت و ملیت و مبارزه با جهل و خرافات است؛ یعنی در آرزوی پیراستن دین و آیین از آذین جاهلیت و آراستن آن به حق و حقیقت برای رشد و کمال و معنویت انسان است.

انتظار

یعنی پیوند تاریخی نبوت به امامت و امامت به غیبت در بستر زمان است؛ یعنی عدالت خواهی و ظلم‌ستیزی و مبارزه به خاطر عزت انسان و شرافت انسانیت و حاکمیت عدالت در گستره جهان

است که همانند یک جریانی به هم پیوسته است و همچو رودخانه‌ای است که در گذر زمان در بستر تاریخ جاری گشته است.

و منتظر....

یعنی امیدوار به رهایی انسان از ظلم و زور و ستم و بیداد و خونریزی و نژادپرستی و قومیت و ملیت و مبارزه با جهل و خرافات است. کسی است که از شوق ثواب و خوف عقاب، همیشه در تب و تاب است و شیفته مرگ و شهادت در رکاب حضرت صاحب الزمان علیه السلام و احیاگر کتاب است و جان شیفته شهادت برای احیای عدالت و جان نثاری برای عزم و رزم با بنیاد بیداد است و سخاوتمندی است که نه تنها تن که جان و روانش را برای صاحب دوران هدیه می‌کند و او همچو کسی است که در زیر خیمه و چادر حضرتش حضور و همراه همیشگی او در ظهورش می‌باشد. هرگز تن به ذلت در برابر حاکمان جور و جهل و بازیگران نمی‌دهد؛ اگر لب فرو بسته است، نه به معنای رضایت اوست که حکایت از رنج و اندوه درون است؛ اگر غمی در چشمان و آه و اندوهی بر لبان دارد، حکایت از شب هجران و فُرقت یار است و از غیبت و غربت آن یادگار عصمت و مظهر پاکی و طهارت و در اندیشه آن یار و عُسرت و حسرت آن دلدار است که در پس پرده غیبت است و صد قافله دل همراه اوست.

اما او

که از سلاله عصمت دوران و از فرزندان فاطمه علیها السلام است، در زمانی ظهور می‌کند که دوران هرج و مرج، یعنی خون و جنون و خونریزی است که علم و دانش و آگاهی و دانایی به افول گراییده است و جهل و نادانی بشریت را فرا گرفته است.^۱ و فتنه و آشوب زمین را پوشانده است که روزگار همانند شب‌ها تیره و تاریک می‌گردد؛ که انسان صبحگاهان، مؤمن از خواب برمی‌خیزد و شامگاهان، کافر می‌گردد و شب، مؤمن است و صبحگاهان، کافر می‌شود.^۲

او

زمانی ظهور می‌کند که علیرغم تمدن و پیشرفت علم و دانش، انسان قربانی جور و جهل حاکمان گشته است و در فساد و تباهی غوطه‌ور شده است و همانند آیین و دین پیشینیان به خطا رفته است و به بدعت گذشتگان در دوران عیسی و موسی بازگشته است؛ زیرا که پیامبر صلی الله علیه و آله از آینده این امت خبر داده است:

۱. صحیح بخاری ۴ / ۶۷۷ / ۱۸۹۰ و ۱۸۹۲، المصنّف ابن ابی شیبة ۸ / ۶۶۶ / ۱۲۰ و ۸ / ۵۹۴ / ۱۶ و المصنّف عبد الرزاق ۱۱ / ۳۶۴ / ۲۰۷۵۱، مسند الطیاسی ۳۵ / ۲۶۳، مسند أحمد ۱۲ / ۳۳ / ۱۴۸۹۵، المستدرک ۴ / ۵۷۵ / ۸۶۱۳، کنز العمال (۳۸۸۱۹).
۲. المصنّف ابن ابی شیبة ۸ / ۵۹۳ / ۱۳ و ۸ / ۶۰۸ / ۱۰۸.

«... قوم موسی علیه السلام بر هفتاد و یک گروه تقسیم شدند؛ که هفتاد گروه از آنان در دوزخند و یک گروه از آنان در بهشت است و امت عیسی علیه السلام هفتاد و دو گروه گشتند که هفتاد و یک گروه از آنان در دوزخند و یک گروه از آنان به بهشت می‌روند و شما امت من گروه‌هایتان از آنان افزون‌تر است و هفتاد و سه ملت می‌شوید که هفتاد و دو ملت از شما در دوزخند و یک گروه از شما به بهشت رضوان و جنت و جنان می‌روند...» و از همین روی بود که هرگاه علی علیه السلام این حدیث را به یاد می‌آورد، این آیه را می‌خواند ﴿وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ﴾ «الاعراف/ ۱۸۱»^۱

و به گفته خواجه شیراز:

جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه

چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند

امّا منجی بشریت

آغاز ندایش در کنار کعبه، مرکز توحید و قبله جانان و مأمن مؤمنان
و سجده گاه عارفان و مهبط وحی فرشتگان و منزلگه موخّدان می‌باشد.

۱. المجمع ۷ / ۵۱۰ / ۱۲۰۹۵، مسند أبویعلی ۶ / ۲۴۱ / ۳۶۶۸ / کشف الأستار ۲ / ۳۶۰ / ۱۸۵۱ و در المجمع ۶ / ۲۳۵ / ۱۰۳۹۹ / أحادیث ۱۰۴۰۳ و ۱۰۴۰۲ و ۱۰۴۰۱ و مسند أبویعلی ۱ / ۹۰ / ۲۲۱۵ / ۱۵۰ / ۴ و ۹۰ / ۲۲۷۷۶ و صحیح مسلم ۴ / ۲۰۵۴ / ۲۶۶۹، المعجم الكبير ۶ / ۱۸۶ / ۵۹۴۳، سنن ابن ماجه ۲ / ۱۳۲۲ / ۳۹۹۴، المسند الجامع ۱۸ / ۳۷۸ / ۱۵۱۴۹ و ۱۵۱۵۰ و ۱۸ / ۴۱۶ / ۱۵۲۱۸، أبویعلی ۱۱ / ۱۸۲ / ۶۲۹۲ صحیح بخاری ۴ / ۶۷۶ / ۱۸۸۸ و ۱۸۸۹

لباسش

بر اندام رسا و قامت دلربایش، پیراهن رسول خدا صلی الله علیه و آله است.^۱ یعنی گویا که بار دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله در قامت مهدی (عج) جلوه‌گر می‌شود و تاریخ دوباره زنده می‌شود و ندای وحدت و شعار توحید را سرمی‌دهد. و شمشیر ذوالفقار پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام در دست اوست.^۲ یعنی سمبل قدرت و ابزار اجرای حق و حقیقت است؛ یعنی: برای مدعیان عدالت و منادیان دروغین انسانیت و نیرنگ‌بازان در دین و بازیگران در زمین و سوداگران هر آیین، پند و اندرز دیگر سودی نمی‌بخشد؛ زیرا پیامبران در طول تاریخ مبعوث شدند، اما در هر زمان و در هر سرزمین جز ظلم و ستم و بیداد ندیدند؛ جز ریا و نفاق و شکنجه و آزار ندیدند و نچشیدند و باید چون علی علیه السلام مظهر قدرت و پدیدآورنده نظام عدالت در جهان ظهور کند و ندای عدل و داد سردهد. و این شمشیر، همان شمشیری که بر تن باطل فرود آمده است، تا نه تنها شیعیان، بلکه همه شیفتگان آزادی و عدالت و منادیان انسانیت در جامعه بشریت نپندارند که با شهادت علی علیه السلام در کوفه و ریختن خون پاکش بر توده‌های شن محراب عبادت، راه عدالت و به پایان رسیده است؛ بلکه تاریخ، آن خون را دوباره

۱. بحار الانوار ۵۲ / ۳۰۷ / ب ۲۶ / ۸۱ و ص ۳۶۰ / ب ۲۷ / ۱۲۹. الغیبة نعمانی ۳۰۷ / ب ۱۹ / ۲.

۲. رک: همان.

احیا می‌کند و بار دیگر علی علیه السلام در قامت دلربا و رسای مهدی (عج) زنده می‌شود و عدالتش جهان‌گستر می‌شود.

ظهورش روز عاشورا است

یعنی، سرزمین کربلا خاک پاک و بی‌ریاست و آن روزش، روز خداست. در این روز بود که خط بطلان بر سقیفه خلافت زده شد و سروش حقانیت ولایت ندا داده شد؛ در این روز بود که دیوان و ددان و فرزندانزادگان خلافت به جنگ امامت آمدند و خون مظهر ولایت و وراثت آدم و نوح و ابراهیم خلیل و عیسی‌ای مریم و پیامبر صلی الله علیه و آله رحمت را بر شن‌های تفتیده کربلا بر زمین ریختند.

یار می‌آید

اما اینک

با کمال موسی، با درخشش و نورانیت عیسی و صبر ایوب، جلوه‌گر می‌شود و ظهور می‌کند.^۱ این بار، گویا همه انبیا در ظهورش ظاهر و در حضور حضرتش حاضر می‌شوند؛ او نه تنها وارث نبوت است که میراث‌دار امامت است.

۱. کافی ۱ / ۵۲۸؛ عیون اخبار الرضا ۱ / ۴۴ ب / ۶ / ۲؛ کمال الدین ۱ / ۳۱۰ ب / ۲۸ / ۱.

پرچم بدر در دست اوست^۱

که نشان از جنگ و رزمی است که در صدر اسلام آغاز شده؛ که سمبلی برای استوار کردن شریعت و کشف حقیقت و استقرار عدالت در سراسر گیتی بگردد.

یارانش ۳۱۳ نفر هستند.^۲

به تعداد لشکریان جنگ پیروزمندانه بدر در صدر اسلام می باشند. رمز و رازی از پیروزی بزرگی هستند که با عزم و رزمشان در برابر لشکریان کفر و شرک سرافراز گشتند و پرچم پیروزی را برافراشتند که گردن گردن فرازان و دست زورمندان و کینه توزان رسالت را کوتاه کردند.

در رکابش مسیح عليه السلام

اما در برابرش

دجال، افسونگری که مسخ کننده انسانهاست که با سحر و جادویش عقل و خرد و اندیشه آدمها را می فریبد. او مظهر نظام

۱. بحارالانوار ۵۲ / ۳۶۰ / ب ۲۷ / ۱۲۹. ۲. رک پاورقی ش ۷۱.

فرهنگی و روحی و ضدّ انسانی و ضدّ انسانیت حاکم بر انسان آخر الزمان است و نمادی از تیرگی و بندگی و بردگی و جور و جهل زمانه است. او یک چشم فریبکار و افسونگر و مسخ شده‌ای است که با چشم چپی که در میانه پیشانی دارد و شراره‌های شرارت از آن زیانه می‌کشد و می‌بارد، گویی که بر آن «کافر» نگاشته شده است که هر باسواد و بی‌سوادی آن را می‌خواند و می‌فهمد؛ در پی او دو جویباری جاری است؛ یکی ظاهرش «بهشتی» است و دیگری ظاهرش «جهنمی» است. هرکس که از آن جویباری که ظاهرش بهشتی است، بنوشد، او جهنمی خواهد شد و هر آن کس که از آن جویباری که ظاهرش جهنمی است، بنوشد، او بهشتی خواهد شد.^۱

سفیانی

او مظهر نظام سفیانی است. همان‌گونه که در صدر اسلام ابوسفیان در برابر اسلام قد علم کرد؛ این بار نیز از تبار سفیان، سفیانی دیگر ظاهر می‌شود. او نموداری از نظام سیاسی حاکم بر جهان است که وارث زور و قدرت و بیداد و ستم در این جهان و در طول تاریخ و زمان است. دیکتاتوری از نسل اُمیّه و از خاندان عثمانیان است.

۱. المصنّف ابن ابی شیبۀ ۸ / ۶۴۸ / ۱۸ و ۱۹ و ج ۸ / ۶۵۰ / ۲۵؛ مسند احمد ۱۲ / ۳۳ / ۱۴۸۹۵؛ مسند ابویعلیٰ ۱۱ / ۱۱۵ / ۱۳۱۳۹.



ولی

درد جانکاه و روان سوز و جانگداز این است که

امام باقر علیه السلام فرمودند: اگر او را بشناسند، حریصانه و آزمندانه قطعه،

قطعه می کردند و او را می کشتند.^۱

اینک این کتاب به شیفتگان امامت و منتظران ظهور منجی عالم

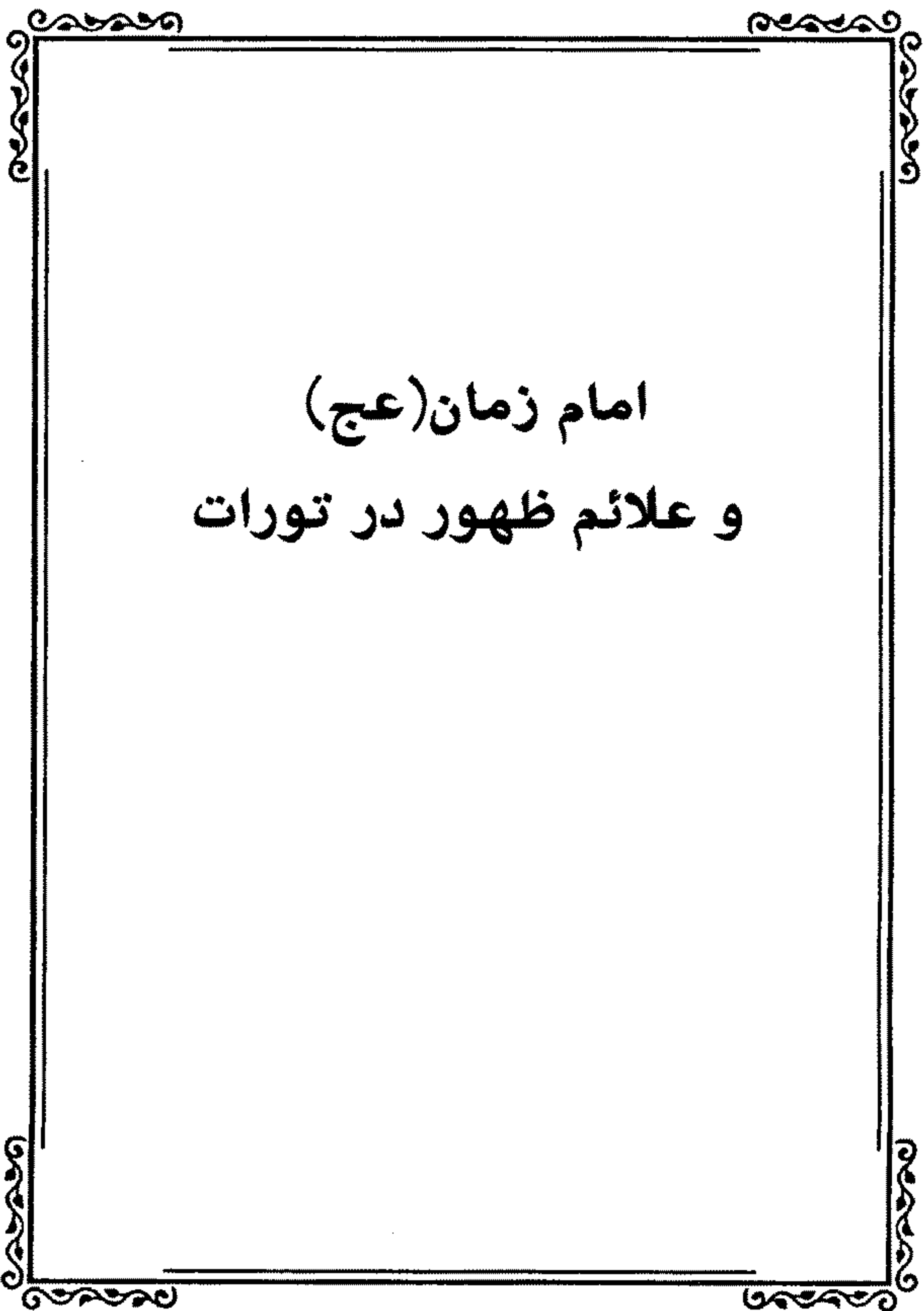
بشریت تقدیم می گردد تا شاید مقبول حضرتش گردد.

جواد شریعتی

۸۴ / ۲ / ۲۴

۱. الغیبة نعمانی ۲۸۸ / ب ۱۶ / ۲؛ الغیبة طوسی ۳۳۳ / ۲۷۸؛ بحار الانوار ۵۱ / ۳۱ / ب ۳ / ۱ و

۵۲ / ۹۸ / ب ۲۰ / ۲۱.



امام زمان (عج)
و علائم ظهور در تورات

ای خدا، انصاف خود را به پادشاه ده. و عدالت خویش را به پسر پادشاه، و او قوم تو را به عدالت داوری خواهد نمود، و مساکین تو را به انصاف، آن‌گاه کوه‌ها برای قوم سلامتی را بار خواهند آورد. و تل‌ها نیز در عدالت. مساکین قوم را دادرسی خواهد کرد. و فرزندان فقیر را نجات خواهد داد. و ظالمان را زیون خواهد ساخت. از تو خواهند ترسید مادامی که آفتاب باقی است و مادامی که ماه هست تا جمیع طبقات. او مثل باران بر علف‌زار چیده شده فرود خواهد آمد. و مثل بارش‌هایی که زمین را سیراب می‌کند. در زمان او صالحان خواهند شکفت و وفور سلامتی خواهد بود مادامی که ماه؛ نیست نگردد. و او حکمرانی خواهد کرد از دریا تا دریا و از نهر تا اقصای جهان، بحضور وی صحرائنشینان گردن خواهند نهاد. و دشمنان او خاک را خواهند لیسید... جمیع سلاطین او را تعظیم خواهند کرد. و جمیع امت‌ها او را بندگی خواهند نمود زیرا؛ چون مسکین استغاثه کند او را رهائی خواهد داد و فقیری را که رهاننده ندارد. بر مسکین و فقیر کرم خواهد فرمود. و جان‌های مساکین را نجات خواهد بخشید و جان‌های ایشان

را از ظلم و ستم فدیة خواهد داد. و خون ایشان در نظر وی گرانبها خواهد بود... فراوانی غله در زمین بر قله کوهها خواهد بود... و اهل شهرها مثل علف زمین؛ نشو و نما خواهند کرد. نام او تا ابد الآباد خواهد ماند. اسم او بیش از آفتاب دوام خواهد کرد. آدمیان در او برای یکدیگر برکت خواهند خواست و جمیع امت‌های زمین او را خوشحال خواهند خواند. «مزمور/ ۷۲ آیه ۱-۱۹» زیرا خداوند انصاف را دوست می‌دارد و مقدّسان خود را ترک نخواهد فرمود. ایشان محفوظ خواهند بود تا ابد الآباد. و امّا نسل شریر منقطع خواهد شد. صالحان وارث زمین خواهند بود. و در آن تا به ابد سکونت خواهند نمود. دهان صالح حکمت را بیان می‌کند. و زبان او انصاف را ذکر می‌نماید. شریعت خدایِ وی در دل اوست. پس قدمهایش نخواهد لغزید... منتظر خداوند باش و طریق او را نگاه دار. تا ترا به وراثت زمین برافرازد، چون شریران منقطع شوند آنرا خواهی دید... امّا خطاکاران جمعاً هلاک خواهند گردید و عاقبت شریران منقطع خواهد شد و نجات صالحان از خداوند است و در وقت تنگی، او قلعه ایشان خواهد بود، و خداوند ایشان را اعانت کرده نجات خواهد داد، و ایشان را از شریران خلاص کرده خواهد رهانید. زیرا بر او توکل دارند. «مزمور/ ۳۷ آیه ۲۸ تا ۴۰»

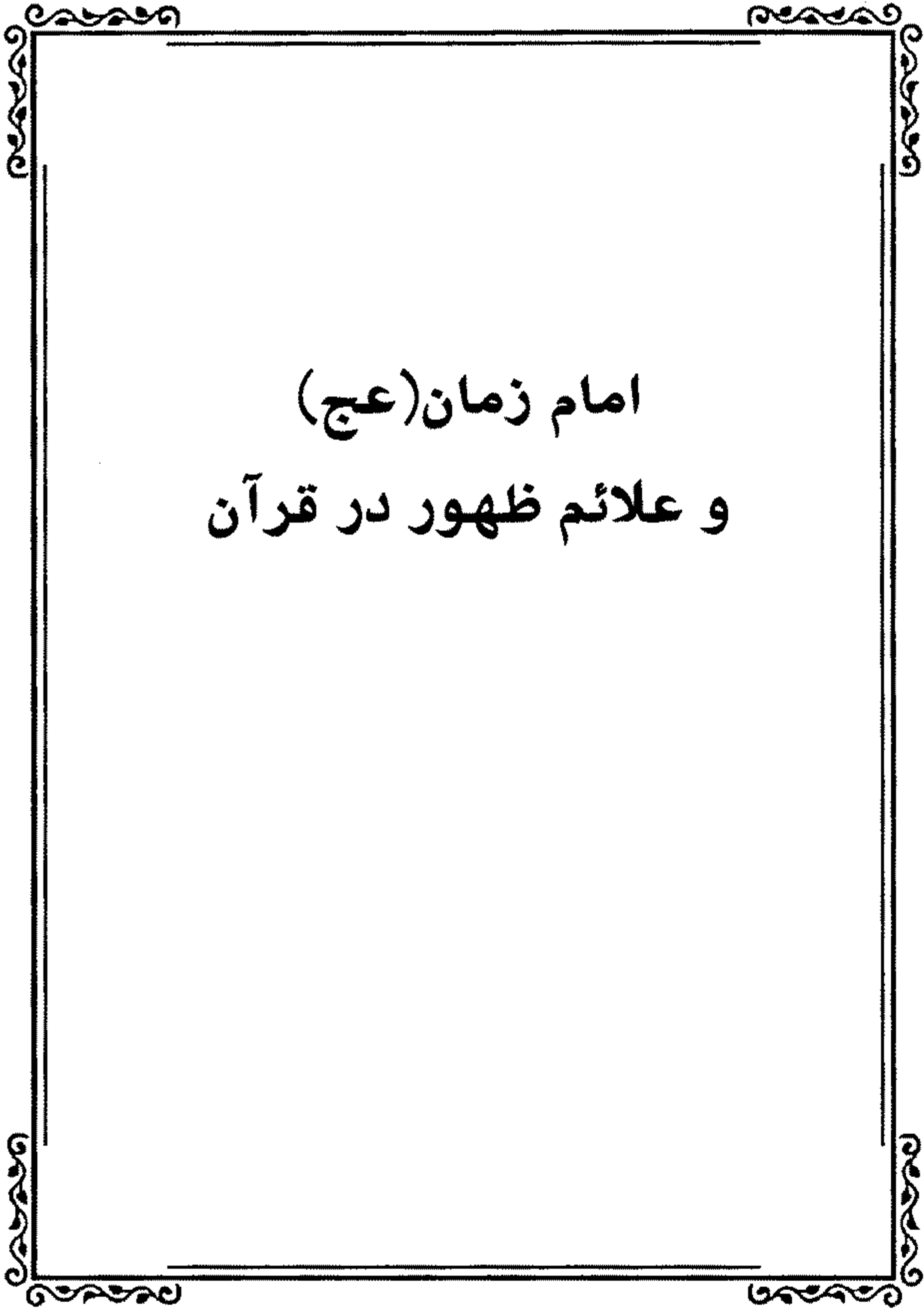
امام زمان (عج)
و علائم ظهور در انجیل

حضرت مسیح: عیسی ایشان را گفت آیا همه این چیزها را نمی بینید، هر آینه بشما می گویم در اینجا سنگی بر سنگی گذاشته نخواهد شد که بزیر افکنده نشود. و چون به کوه زیتون نشسته بود شاگردانش در خلوت نزد وی آمده گفتند: به ما بگو که این امر کی واقع می شود و نشان آمدن تو و انقضای عالم چیست؟ عیسی در جواب ایشان گفت: زنهار کسی شما را گمراه نکند زآن رو که بسا به نام من آمده و خواهند گفت: که من مسیح هستم و بسیاری را گمراه خواهند کرد، و جنگها و اخبار جنگها را خواهید شنید زنهار مضطرب شوید زیرا که وقوع این همه لازم است، لیکن انتهاء هنوز نیست. زیرا قومی با قومی و مملکتی با مملکتی مقاومت خواهند نمود و قحطی ها و وبهاها و زلزله ها در جای ها پدید آید، اما همه اینها آغاز دردهای ره است آنگاه شما را به مصیبت سپرده خواهند کشت و جمیع امت ها به جهت اسم من از شما نفرت کنند، و در آن زمان بسیاری لغزش خورده

یکدیگر را تسلیم کنند و از یکدیگر نفرت گیرند و بسا انبیاء کذبیه ظاهر شده بسیاری را گمراه کنند، و به جهت افزونی گناه؛ محبت بسیاری سرد خواهد شد، لیکن هر که تا به انتهای صبر کند نجات یابد و به این بشارت ملکوت در تمام عالم موعظه خواهد شد، تا بر جمیع امت‌ها شهادتی شود آن گاه انتها خواهد رسید، پس، چون مکروه ویرانی را - که دانیال نبی گفته است - در مقام مقدس برپا شده ببیند هر که خواند دریافت کند، آنگاه هر که در یهودیه باشد به کوهستان گریزد و هر که بر بام باشد به جهت برداشتن چیزی از خانه به زیر نیاید، و هر که در مزرعه است به جهت برداشتن رخت خود برنگردد لیکن وای بر آبستان و شیردهندگان در آن ایام، پس دعا کنید تا فرار شما در زمستان یا در سبت نشود، زیرا که در آن زمان چنان مصیبت عظیمی ظاهر می‌شود که از ابتداء عالم تاکنون نشده و نخواهد شد، و اگر آن ایام کوتاه نشدی هیچ بشری نجات نیافتی لیکن بخاطر برگزیدگان آن روزها کوتاه خواهد شد، آنگاه اگر کسی به شما گوید: اینک مسیح در اینجا یا در آنجا است باور مکنید زیرا که مسیحیان کاذب و انبیاء کذبیه ظاهر شده علامات و معجزات عظیمه چنان خواهند نمود که اگر ممکن بودی برگزیدگان را نیز گمراه کردند، اینک شما را خبر دادم، پس اگر شما را گویند، اینک در صحرا است، بیرون مروید؛ یا آن که در

خلوت است، باور مکنید، زیرا همچنان که برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می شود، ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد و هر جا که مرداری باشد کرکسان در آنجا جمع شوند، و فوراً بعد از مصیبت آن ایام، آفتاب تاریک گردد و ماه نور خود را نهد و ستارگان از آسمان فروریزند و قوت های افلاک متزلزل گردد، آنگاه علامت پسر انسان در آسمان پدید گردد و در آن وقت جمیع طوایف زمین سینه زنی کنند و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال عظیم می آید و فرشتگان خود را با صور بلند آواز فرستاده برگزیدگان او را از بادهای اربعه از کران تا به کران فلک فراهم خواهند آور «انجیل متی / باب ۲۴ / از بند ۲ تا ۳۲» هر آینه به شما می گویم تا این همه واقع نشود این طایفه نخواهد گذشت، آسمان و زمین زایل خواهد شد لیکن سخنان من هرگز زایل نخواهد شد اما از آن روز و ساعت هیچکس اطلاع ندارد؛ حتی ملائکه آسمان جز پدر من و بس. لیکن چنان که ایام نوح بود ظهور پسر انسان نیز چنان خواهد بود. «انجیل متی / باب ۲۴ / از بند ۳۴ تا ۳۷» لیکن این را بدانید که اگر صاحب خانه می دانست در چه پاس از شب دزد می آید بیدار می ماند و نمی گذاشت که به خانه اش نقب زند. لهذا شما نیز حاضر باشید زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می آید، پس آن غلام آمین و دانا

کیست که آقایش او را بر اهل خانه خود بگمارد تا ایشان را در وقت معین خوراک دهد خوشا به حال آن غلامی که چون آقایش آید او را در چنین کار مشغول یابد، هر آینه به شما می‌گویم که او را بر تمام مایملک خود خواهد گماشت. لیکن هرگاه آن غلام شریر با خود گوید که آقای من در آمدن تأخیر می‌نماید و شروع کند به زدن همکاران خود و خوردن و نوشیدن با میگساران، هر آینه آقای آن غلام آید در روزی که منتظر نباشد و در ساعتی که نداند، و او را دو پاره کرده نصیبش را با ریاکاران قرار دهد و در مکانی که گریه و فشار دندان خواهد بود. «انجیل متی باب ۲۴ از بند ۴۳ تا آخر بند ۵۱»



امام زمان (عج)
و علائم ظهور در قرآن

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ
 الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ. الانبياء / ۱۰۵﴾ «ما در زبور بعد از ذکر
 «تورات» نوشتیم...» فرمودند: آنها یاران حضرت مهدی (عج) در
 آخرالزمان هستند^۱ امام باقر و صادق علیهما السلام در باره تفسیر این آیه ﴿...
 أَيُّنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً. البقره / ۱۴۸﴾ «هر کجا که باشید خداوند
 همه شما را حاضر خواهد کرد و فرامی خواند» فرمودند: منظور یاران
 حضرت قائم (عج) می باشند^۲. که این آیه در باره حضرت قائم (عج)
 و یارانش فرود آمده است که بدون وعده و هماهنگی پیشین در یک
 جا گرد هم جمع می شوند^۳. امام باقر علیه السلام در باره این آیه ﴿... فَاسْتَبِقُوا
 الْخَيْرَاتِ أَيُّنَ مَا تَكُونُوا... البقره / ۱۴۸﴾ «در نیکی ها و کردار نیک بر
 یکدیگر پیشی بگیرید و در هر جا که باشید خداوند همه شما را حاضر خواهد
 کرد و فرامی خواند» فرمودند: منظور از نیکی ها؛ ایمان به ولایت و امامت
 است. ﴿يَأْتِ بِكُمْ﴾ «یعنی همه شما را حاضر می کند» منظور، اصحاب
 و یاران حضرت قائم (عج) هستند^۴. امام صادق علیه السلام در باره این آیه

خداوند: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا النور / ۵۵﴾

«به کسانی که از شما ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حاکمان روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان از شما را پابرجا و ریشه‌دار ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش دگرگون می‌کند، آنچنان که تنها مرا پرستش کنند و چیزی را شریک من قرار ندهند» فرمودند: در باره حضرت قائم (عج) و یارانش فرو آمده است.^۵ امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه ﴿أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ. الحجّ / ۳۹﴾ «به کسانی اجازه جنگ و جهاد داده شده است؛ زیرا که به آنها ستم شده است و خدا بر یاری آنها تواناست» فرمودند: در باره حضرت قائم (عج) و یارانش فرود آمده است.^۶ امام صادق در تفسیر این آیه ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَىٰ الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ. التوبه / ۳۲ / الصفّ / ۹﴾ «او کسی است که پیامبرش را با هدایت و آئین حق فرستاده است تا آن را بر همه آئین‌ها پیروز گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند» فرمودند: به خدا سوگند هنوز زمان تأویل این آیه فرا نرسیده است و زمان تأویل آن نیز فرود نیامده است تا این که قائم (عج) خروج و ظهور کند، و اگر

قائم (عج) خروج کند، با ظهور امام دیگر هیچ کافر و مشرکی نیست مگر این که از خروجش ناخرسند است؛ حتی آن که اگر کافر و مشرکی در دل تخت سنگی و صخره‌ای مخفی هم شده باشد، ندا سر می‌دهد ای مؤمن، در درون من کافری پنهان شده است بیا و او را از پای درآور.^۷ عبدالله فرزند عمر گوید: از پیامبر ﷺ شنیدم که فرمودند: یهود با شما به جنگ می‌پردازند و شما بر آنها پیروز می‌شوید تا بدانجا که «هر سنگی که یک یهودی پشت آن مخفی شده باشد» ندا سر می‌دهد: ای مسلمان، یک یهودی پشت من مخفی شده است، بیا و او را از پای درآور.^۸ ابوسعید خدری از پیامبر ﷺ روایت می‌کند که در تفسیر آیه ﴿... أَوْ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا. الانعام / ۱۵۸﴾ «... روزی برخی از آیات پروردگارت تحقق می‌پذیرد و ایمان آوردن افرادی که قبلاً ایمان نیاورده‌اند و یا در ایمانشان کردار نیکی انجام نداده‌اند سودی به حالشان نخواهد داشت» فرمودند: طلوع خورشید از مغرب است.^۹ از ابن عباس در باره تفسیر این آیه ﴿إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا. الحديد / ۱۷﴾ «بدانید خداوند زمین را بعد از مرگ آن زنده می‌سازد» پرسیده شد، گفت: خداوند زمین را با قائم آل محمد ﷺ پس از مرگ و نیستی آباد می‌سازد، یعنی؛ بعد از ستم و بیداد مردم، آن را

امام زمان (عج)؛ موعود پیامبران و امید بشریت

زنده می‌کند^{۱۰} «و امام زمان (عج)» در آن به عدل و داد می‌پردازد و زمین را پس از مرگ و نیستی و نابودی آن بر اثر ظلم و ستم و بیداد، با عدل و داد آباد می‌سازد و نجات و حیات می‌بخشد.^{۱۱} امام باقر علیه السلام در باره این آیه ﴿إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ... الشعراء / ۴﴾ «اگر ما اراده کنیم از آسمان بر آنان آیه «و نمونه‌ای» نازل می‌کنیم». فرمودند: در باره قائم (عج) فرود آمده است که منادی سروشی از آسمان سرمی‌دهد و او را به نام خود و نام پدرش می‌خواند^{۱۲}، امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه ﴿... وَ ذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ... ابراهیم / ۵﴾ «... که آنها را به روزهای الهی یادآوری کن.» فرمودند: اولین آنها روزی است که قائم (عج) قیام می‌کند و روز مرگ و دیگری، روز قیامت است.^{۱۳} امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه ﴿وَ قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا. الاسراء / ۸۱﴾ «و بگو که حق فرارسید و باطل محو و نابود شد...» فرمودند: اگر قائم (عج) ما قیام کرد، دولت باطل نابود خواهد شد و رفتنی است.^{۱۴} امام صادق علیه السلام فرمودند: ما «اهل بیت علیهم السلام» نیز روزی و روزگاری در پیش خواهیم داشت و دولتی نیز از ما فرامی‌رسد و به حاکمیت خواهد رسید اگر خدا بخواهد^{۱۵} از مجاهد در تفسیر این آیه چنین نقل شده است: ﴿فَإِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ... حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا. محمد / ۴﴾ «هنگامی که با کافران «جنایت پیشه»

روبرو گشتید، بجنگید ... تا جنگ بار سنگین خود را بر زمین نهد ...» یعنی، تا این که حضرت عیسی بن مریم علیه السلام فرود آید و هر کلیمی و هر مسیحی و هر کس، هر اندیشه و آئینی دارد مسلمان می شود و ایمان می آورد «و همه چیز در صلح و صفا و همزیستی مسالمت آمیز بسر می برد» و گوسفندان نیز از گرگان در امان مانند ... و کینه و بغض از همه چیز و همه کس رخت می بندد و مهر و محبت، دین و آئین می شود و این زمان، زمانه ظهور اسلام و پیروزی آن بر همه دینها و آئینهاست.^{۱۶} و بغضها و کینه تیزیها و دشمنیها از میان خواهد رفت و سینهها از کینهها تهی می شود و زمین، سرشار از صلح و دوستی و همزیستی و آرامش و آسایش خواهد شد، همانگونه که جام از آب پر می شود و همه حرفها و سخنها و گفتههای برون و نهفتههای درون و درنهان، عیان و همسان و یکرنگ خواهد شد و جز حضرت حق پرستش نخواهد شد و این معنای این آیه خداوند است «... که جنگ» و نفرت و خون و جنون و...» بار سنگین خود را بر زمین خواهد

امام زمان (عج)؛
موعود پیامبران علیهم السلام
و امید بشریت

«امامان دوازدهگانه علیهم السلام همگی از قریش می‌باشند»

از جابر بن سمره روایت شده است که از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم: این دین و آئین تا روز قیامت و رستاخیز، همواره پایدار و استوار است و تا آن زمان دوازده خلیفه - یا دوازده امیر - آنان را رهبری می‌کنند، همگی آنان از قریش هستند.^۱ و از مسروق روایت شده که ما نزد عبدالله بن مسعود نشسته بودیم و او برای ما قرآن می‌خواند، مردی از میان جمع ما از او پرسید: ای ابو عبدالرحمن، آیا از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدید که این امت پس از او چند خلیفه و رهبر دارد؟ پاسخ داد... آری، ما از پیامبر صلی الله علیه و آله همین را سؤال کردیم و حضرت پاسخ دادند: دوازده خلیفه و رهبر هستند که به تعداد نقیبان بنی اسرائیل می‌باشند.^۲ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: دنیا به پایان نخواهد رسید تا این که رهبری جهان عرب را مردی از خاندان من بعهده می‌گیرد نامش همانام من است.^۳ ساعت «و روز قیامت» فرا نخواهد رسید تا این که سراسر زمین پر از ظلم و ستم و بیداد و دشمنی و کینه توزی گردد در این هنگام مردی از خاندان من ظهور خواهد کرد که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد همانگونه که

امام زمان (عج)؛ موعود پیامبران و امید بشریت

پراز ظلم و بیداد بوده است.^۴ علی علیه السلام فرمودند: همانا؛ امامان از قریش اند که درخت آن را در خاندان بنی هاشم کشته اند و دیگران در خور آن نیستند و شایسته آن نمی باشند و امامت و رهبری جز بر آنان برهیچکس در خور و شایسته و برازنده نیست...^۵ علی علیه السلام فرمود: ای کمیل... آری به خدا، زمین از کسی که با حجّت و دلیل دین و آئین خدا بر پای دارد و استوار سازد تهی نخواهد ماند که آن کس، یا آشکار و عیان (میان مردمان و جهان در هر زمان و مکان) است، که یا ترسان «از دیده ها» پنهان است تا حجّت های خداوند باطل نشود و نشانه هایش از میان نرود.^۶ از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است: هر کس که بمیرد، در حالی که برگردنش عهد و پیمانی و بیعتی «با امامی» نباشد: مرگش، مرگ جاهلیت خواهد بود.^۷

۱. قطعیت ظهورش

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: دنیا به پایان نخواهد رسید تا این که مردی از من - یا از خاندان من - که همانام من است ظهور خواهد کرد و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد همانگونه که مالا مال از ظلم و ستم و بیداد شده بود.^۸

۲. نیاکان مهدی (عج)

از امّ سلمه روایت شده که از پیامبر ﷺ شنیده است: حضرت مهدی (عج) از فرزندان فاطمه علیها السلام است.^۹ از ابوسعید خدری روایت شده که پیامبر ﷺ فرمودند: حضرت مهدی (عج) از خاندان ماست که حضرت عیسی بن مریم علیها السلام پشت سر او نماز می خواند.^{۱۰} پیامبر ﷺ به دخترش حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند: ای دخترکم، خداوند به ما خاندان و اهل بیت علیهم السلام هفت خصلت بخشیده است که به هیچ کسی پیش از ما نبخشیده است پیامبر ما از بهترین پیامبران، که همو، پدر توست و وصی و جانشین او، بهترین وصی ماست که همو، همسر توست، و شهید ما برترین شهید است که او، عموی پدر توست و از ماست کسی که دو بال رنگین آغشته به خون دارد و با آنها در فضای بهشت به پرواز درمی آید، که همو، پسر عموی تو جعفر است، و نوادگان دختری این امّت از ماست که همانا آنان فرزندان تو حسن و حسین علیهم السلام هستند و سوگند به خدائی که جز او خدائی نیست. مهدی (عج) این امّت که پشت سر او حضرت عیسی بن مریم علیها السلام نماز می خواند او نیز از ماست سپس دست بر زانوی حضرت امام حسین علیهم السلام نهادند و فرمودند: از این «حسین» سه سه تا خواهد بود.^{۱۱}

۳. سیمای حضرت مهدی (عج)

از پیامبر ﷺ روایت شده است: حضرت قائم (عج) از نسل و تبار علی علیه السلام است که زمین را به سرزمینی دیگر دگرگون خواهد کرد، از این رو حضرت عیسی بن مریم علیها السلام بر مسیحیان روم و چین به وسیله حضرت مهدی (عج) و - دگرگونی‌هایی که بوجود می‌آورد - احتجاج خواهد کرد. و به درستی که حضرت مهدی (عج) از نسل علی علیه السلام است، شبیه‌ترین مردم از نظر چهره و سیما و اخلاق و روش و منش و شخصیت به حضرت عیسی بن مریم علیها السلام می‌باشد. خداوند - عزوجل - به او هر آنچه که به پیامبران پیشین داده، می‌بخشد و افزون‌تر از آنها نیز بدو عنایت خواهد کرد و برتری هم می‌دهد، بدرستی که قائم (عج) از نسل و سلاله علی علیه السلام است که برای او غیبتی همانند غیبت یوسف علیه السلام هست و بازگشتی همچو حضرت عیسی بن مریم علیها السلام دارد.^{۱۲} و او از نسل و از فرزندان چهل ساله می‌باشد و سیمایش همچو ستاره‌ای درخشان گرد و تابان است و بر گونه راستش خالی مشکی هست.^{۱۳} او جوانی چهارشانه، سیمایش زیبا و موهایش قشنگ و نیکوست و موهایش بر شانه‌هایش همچو آبشاری جاری است و تلالو و درخشش نور چهره و سیمایش بر سیاهی و رنگ مشکی موهای سر و صورتش افزون‌تر و برتری

می یابد^{۱۴} و حضرت مهدی (عج) ظهور می کند. در حالی که بالای سرش ابری سایه افکنده است، بانگ و سروش آسمانی در فضا طنین انداز می گردد که این «حضرت مهدی (عج)» خلیفه خداوند است از او پیروی کنید.^{۱۵} و در دوره زمامداریش، خاک نشیان و عرشیان و افلاک نشینان و پرندگان در آسمانها و کهکشانها از او خوشنود و رضایتمند می گردند.^{۱۶}

۴. علت نامگذاری به (مهدی) و (قائم) (عج)،

ابن ابی دلف گوید؛ از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمودند: ...براستی که بعد از امام حسن عسگری علیه السلام فرزندش، قیام کننده به حق و منتظر است. سؤال کردم: چرا نامش «قائم» نهاده شده است. فرمود: زیرا بعد از آن که نامش «و یادش» می میرد، و پس از مرتد شدن بیشتر آنهایی که به امامتش زبان می گشودند، قیام می کند، پرسیدم: چرا نامش «منتظر» نهاده شده است؟ فرمود: زیرا که غیبتی دارد که روزگاران آن طولانی و امید به آن به درازا کشیده می شود که انسانهای مخلص چشم انتظار خروجش در مانده می مانند، و شگاکان، منکرش می شوند و کسانی که بدو ایمان ندارند وجودش را انکار می کنند و یادآوران، نامش را به سخره می گیرند و مشخص کنندگان زمان ظهورش دروغگو

خوانده می شوند و شتاب زدگان در ظهورش هلاک می شوند و تسلیم شوندگان در آن نجات می یابند.^{۱۷}

از امام صادق علیه السلام روایت شده است: ... علت این که «مهدی» نامگذاری شده این است، زیرا که «مردم» را به موضوعی که پنهان مانده است هدایت و رهنمون می سازد و تورات و انجیل را از سرزمینی که «انطاکیه» نام نهاده اند بیرون آورده و نهان را عیان می سازد.^{۱۸} قیام کننده ما را بدین دلیل «مهدی» نام نهاده اند زیرا که مردم را به آئینی که از آن گمگشته و گمراه شده اند رهنمون می سازد، و بدان دلیل «قائم» نامیده اند که برای ابراز حق و ظهور آن قیام می کند.^{۱۹}

۵. حکمت غیبت

موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند: ... «غیبت» برآستی که آزمونی از سوی خداوند است که آفریدگانش را با آن می آزماید.^{۲۰} حضرت علی علیه السلام می فرماید: ... آن چنان غیبتی دارد که جاهلان گویند؛ خداوند به آل محمد صلوات الله علیهم هیچ نیازی ندارد^{۲۱} - گویا شیعیانش را - در زمان غیبتش می بینم که گمگشته و سرگردان - همچو چارپایانی که در پی مرغزار و سبزه زاری هستند - در پی او روان و دوان هستند. اما او را در نمی یابند. مگر آنهایی که در دین و آئین خویش استوار و پایدار مانده اند و - بخاطر طولانی شدن مدت زمان غیبت امامش - سنگدل

نشده‌اند، اوست که همراه من در روز قیامت همسان و هم پایه من است اگر قائم ما قیام کند، بیعت هیچ کس بر عهده و برگردنش نیست. برای همین است که ولادتش مخفی است و خودش از دیده‌ها پنهان است^{۲۲} علی علیه السلام: فرزندی از یازدهمین فرزندم زاده می‌شود که نامش «مهدی» است که ولادت و دوران امامتش در گمنامی، و در غیبتش گروهی سرگشته و گمراه و گروهی دیگر به راه راست هدایت و رهنمون می‌شوند. یارانش، از بهترین‌های این امت هستند که با پاک‌ترین و نیکوترین انسان‌های عترت همراه و همگام گشته‌اند... و در دولتش و دوره خلافتش سرآغاز نوآفرینی‌ها و دگرگونی‌ها و خواستها و فرجامها و سرانجامها و پایان‌هایی نهفته است.^{۲۳} امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: پس از من، فرزندم «قائم» است و اوست که مانند پیامبران عمری دراز خواهد داشت و غایب خواهد شد و در غیبت طولانی او دل‌هایی تیره گردد و فقط کسانی که در اعتقاد به او استوار خواهند ماند که دل آنان به فروغ ایزدی درخشان باشد و روح خدائی به آنان مدد رساند.^{۲۴} امام صادق علیه السلام فرمود: براستی که صاحب و سالار این موضوع غیبتی دارد که حتما باید پیش آید. بخاطر موضوعی که به ما اجازه داده نشده است که اسرار نهان آن را عیان کنیم و علت حکمت آن، همان علت و حکمتی است که در غیبت‌های پیشین حجت‌های الهی است و علت حکمت آن آشکار و

امام زمان (عج)؛ موعود پیامبران و امید بشریت

عیان نخواهد شد مگر بعد از ظهورش، همانگونه که علت و اسرار حکمت آمیزی که حضرت خضر علیه السلام از سوراخ کردن کشتی و کشتن جوان و بازسازی دیوار به حضرت موسی علیه السلام سخنی نگفت آن را عیان نکرد مگر به هنگام جدائی آنها از همدیگر.^{۲۵}

۶. اسرار غیبت

امام باقر علیه السلام: ...براستی که دولت ما آخرین دولتهاست و هیچ خاندانی نخواهد ماند مگر آن که پیش از ما به حکومت و دولت برسند تا این که اگر روش و منش و سیرت ما را دیدند، نگویند «وإدعا نکنند» که اگر ما به حکومت و ریاست می رسیدیم، روش و سیرت ما و منش و حکومت و حاکمیت ما همانند آنان می بود!! و این همان فرموده خداوند است که: «عاقبت و پایان - هر چیز - از آن پرهیزکاران می باشد القصص/۸۳»^{۲۶} ... سپس قائم به حق و عدل و داد قیام می کند.^{۲۷} امام صادق علیه السلام فرمودند: قائم ما قیام می کند هیچگونه قرارداد و عهد و پیمانی و بیعتی برگردنش از کسی وجود ندارد.^{۲۸}

۷. حضورش در زمان غیبت کبری

امام صادق علیه السلام فرمودند: برای قائم، دو غیبت است... و در دیگری - یعنی غیبت کبری - هیچ کسی از جای او خبر ندارد مگر نزدیک ترین

یاران او در دین و ایمانش^{۲۹}... مردم امام خود را گم می‌کنند ولی او در مراسم حج شرکت می‌کند و آنها را می‌بیند.^{۳۰} امام رضا علیه السلام فرمودند: همه ساله مراسم حج را به جا می‌آورد و در روز «عرفه» وقوف می‌کند و برای دعای همه مؤمنان «آمّین» می‌گوید، و خداوند وحشت تنهائی او را در زمان غیبت و غربت با حضرت «خضر» برطرف نموده و او را انیس (قائم (عج)) می‌سازد.^{۳۱}

۸. انتظار موعود

(۸-۱) فضیلت انتظار: امام کاظم علیه السلام: برترین کردار امت من، پس از معرفت حق تعالی، انتظار فرج است. «علی علیه السلام: منتظران حکومت ما، همانند کسی هستند که در خون خویش در راه خداوند غوطه‌ور شده‌اند»^{۳۲}

(۸-۲) مقام و منزلت منتظران: امام کاظم علیه السلام خوشا به حال شیعیان ما که در زمان غیبت قائم (عج) ما به ریسمان محبت ما پیوسته و دلبسته‌اند و در پیوند با این ولایت، استوار و پایدارند و از دشمنان ما بیزارند، آنان از ما و ما از آنان هستیم، همانهایی که به امامت و ولایت ما رضایت دارند و ما نیز به شیعه بودن آنان رضایت داریم... و به خدا سوگند که اینان در روز قیامت در مرتبت و منزلت، همراه و همسان ما هستند.^{۳۳}

(۳-۸) نقش انتظار: جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر ﷺ نقل کرده است که: ... آری، به خدائی که مرا به پیامبری برانگیخت، آنها «شیعیان» از وجود او بهره می‌برند و از نور ولایتش در طول غیبتش بهره‌مند می‌شوند همچنان که مردم از نور آفتاب بهره‌مند می‌شوند گر چه ابرها آن را بپوشاند.^{۳۴}

۹. فضای جامعه پیش از ظهور

عبدالله بن عمر از پیامبر ﷺ نقل کرده است: قیامت برپا نخواهد شد مگر آن که خداوند تندبادی را می‌فرستد که هر کس در دلش ذره‌ای از پرهیزکاری و در سرش خرد هست او را نابود می‌سازد، و هر قوم و گروهی به هر آنچه که پدرانشان در جاهلیت می‌پرستیدند، می‌پیوندند، و اندک گروهی از مردم - چون ذرات غبار - می‌مانند که نه امر به معروف و نه نهی از منکر می‌کنند و همانند چهارپایان در راهها و گذرگاهها آمیزش می‌کنند... اگر جهان چنین شد خشم خداوند بر زمین فرود آید و ساعت قیام فرا می‌رسد.^{۳۵} امام حسن علیه السلام فرمودند: این رخدادی که منتظر آن هستید پیش نخواهد آمد تا این که به مرحله‌ای خواهد رسید که هر کدام از شما از دیگری براءت و بیزاری جوید و برخی از شما به برخی دیگر ناسزا و درشت‌گوئی می‌کند و

برخی از شما به صورت دیگری آب دهان می اندازد و تا بدانجا که برخی از شما بر کفر دیگری شهادت می دهد، عرض کردم: آیا امیدی به خوبی و نیکی هست؟ فرمودند: همه خیر و نیکی در اینجا نهفته است در این هنگامه است که «قائم (عج)» ما قیام می کند و همه این کارها و کردها و گفتارها را از میان برمی دارد و ریشه کن می کند. ۳۶

امام علی علیه السلام: ... اگر مردم نماز را میراندند و امانت داری را گم کردند و دروغ را حلال شمردند و ربا خوردند و رشوه گرفتند... و دین را به دنیای خویش فروختند و سفیهان را به کار گماردند و با زنان به مشورت پرداختند و صلۀ رحم را گسستند و از هواها و هوسها پیروی کردند و خون ریختن را سبک شمردند و بردباری را نشانه ضعف و سستی خواندند و ستم را افتخاری شمردند و امیران، تبهکار، و وزیران، ستمکار، و عارفان، خیانتکار و قاریان، بدکردار گشتند و شهادتِ دروغ و پوچ، عیان گردید و فسق و فجور و بهتان و تهمت و گناه و ستم و بیداد آشکار شد و قرآنها آراسته و زیبا شد و مساجد زینت آرا شد و گلدسته های آنان بلند آسا شد و با اشرار و فتنه جویان با کرامت رفتار شد و دلها از هم گسست و پیمانها شکست و رهبر قوم و ملت، پلیدترین آنان شد و از بدکرداران از ترس پلیدی و شرّ آنان پرهیزگاری شد و دروغگو را، راستگو پنداشتند و خائن را، امین

انگاشتند و زنان همچو مردان، و مردان همچو زنان گشتند و شاهد بی آنکه از او بخواهند - به دروغ - شهادت می دهد و دیگری بر ذمه دیگری بنا حق؛ که نه دیده و نه شناخته است و نه فهمیده است؛ شهادت می دهد، در هنگامه ای که فقه را می خوانند و در پی آنند، أمّا نه برای دین که بخاطر دنیای خویشند، و پوستین گوسفند بر دل های گرگ صفت و درنده خوی خویش پوشاندند، و در حالی که دل های آنان از گنداب و مرداری بدبو تر است و از حنظل هم تلخ تر است در این هنگامه ها، لحظه های شتاب و شتاب و سرعت و سرعت است. ۲۷

۱۰. علائم عمومی ظهورش

امام صادق علیه السلام: پیش از قیام «قائم» نشانه هایی است که خداوند آنها را آشکار خواهد ساخت «محمد بن مسلم» گوید پرسیدم: آنها چیست؟ فرمودند: آنها را خداوند بیان فرموده است: «و شما را به سختی هایی چون ترس و گرسنگی و کاستی در مالها و جانها و آفات در میوه ها آزمایش می کنیم و صبرپیشگان را بشارت ده. البقره/۱۵۵» ﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ﴾ یعنی شما مؤمنان را قبل از ظهور قائم (عج) امتحان می کنیم ﴿وَبِشْيٍ مِّنَ الْخَوْفِ﴾ یعنی به وسیله پاشاهان بنی فلان در پایان سلطنت و پادشاهی آنها ﴿وَالْجُوعِ﴾ یعنی با گرانی قیمتها ﴿وَتَقْصِ مِنَ الْأَمْوَالِ﴾

یعنی/ با کسادی تجارت و سود اندک ﴿وَالْأَنْفُسُ﴾ یعنی با مرگ‌های زودرس و ناگهانی، ﴿وَالثَّمَرَاتِ﴾ کمی و کاستی رشد زراعت و اندکی برکت میوه‌ها ﴿وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾ یعنی در این هنگامه، به ظهور قائم (عج) امیدوار باش، سپس امام به من فرمودند: ای محمد، این تأویل آن است، همانا خداوند عَزَّوَجَلَّ می‌فرماید: «و تأویل آن را جز خدا و آگاهان در علم کسی نمی‌داند. آل عمران/ ۷»^{۳۸} امام صادق علیه السلام: اگر در آسمان نشانه‌ای دیدید که آتشی بزرگ و گسترده از سمت شرق در تاریکی شبها طلوع می‌کند، در این هنگام گشایش و آسایش مردم در پیش خواهد بود و این حادثه، اندکی پیش از قیام «قائم (عج)» رخ می‌دهد،^{۳۹} پیش از قیام قائم (عج) دو مرگ رخ می‌دهد، مرگ سرخ و مرگ سفید، به گونه‌ای که از هر هفت نفر، پنج نفر می‌میرد، مرگ سرخ، شمشیر «یعنی جنگ و خونریزی» و مرگ سفید، طاعون است.^{۴۰}

۱۱. علانم حتمی ظهورش

شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا ماجرای سفیانی حتمی و قطعی است؟ فرمودند: آری، و همچنین به شهادت رسیدن «نفس زکیه» نیز حتمی است و ظهور قائم (عج) نیز حتمی است و فرو رفتن «لشکریان کفر» در زمین پهن‌دشت و بیابان نیز حتمی است و نشانه‌ای

که از آسمان طلوع می‌کند نیز حتمی است و ندا و سروش آسمانی حتمی است، عرض کردم: این ندا و سروش آسمانی چیست؟ فرمودند: منادی ندائی بنام حضرت قائم (عج) و نام پدرش سر می‌دهد.^{۴۱} ... حضرت قائم (عج) قیام و ظهور نمی‌کند مگر این که ندا و سروشی از آسمان طنین انداز شود، که دوشیزگان در سراپرده نیز آن را می‌شنوند و مردم مشرق زمین و مغرب زمین هم آن را می‌شنوند و در این باره این آیه فرود آمده است «اگر ما اراده کنیم از آسمان بر آنان آیه‌ای نازل می‌کنیم که گردنهایشان در برابر آن خاضع گردد و سر تسلیم فرود آورند الشعراء/۴»^{۴۲} ... و هیچ خفته‌ای در بستر آرام نخواهد گرفت مگر آن که از جای برخیزد، و هیچ ایستاده‌ای نخواهد ماند مگر بر زمین نشیند، و هیچ نشسته‌ای نخواهد ماند مگر از جای برخیزد و بر پاهای خود - از آن ندا و صدا - بایستد و این ندا و سروش، همان صدای پای جبرئیل، آن روح الامین خواهد بود...^{۴۳} ... منادی، سروشی در آسمان در سپیده دمان آواز سر می‌دهد: که هلا، ای مردم، بدانید و آگاه باشید که حق، با حضرت علی علیه السلام و شیعیان اوست سپس ابلیس - که لعنت خدا بر او باد - در پایان روز آواز سر می‌دهد: که ای مردم، بدانید و آگاه باشید که حق، با عثمان و پیروان اوست در این لحظه و هنگامه انبیت که رهروان باطل به شک و تردید می‌افتند.^{۴۴}

۱-۱۱) خروج سفیانی

الف) نام و نشانه‌های او: امام صادق علیه السلام: او مردی چهارشانه با چهره‌ای وحشتناک، که روی چهره‌اش آثار بیماری آبله نقش بسته است، اگر او را ببینی گمان می‌بری که یک چشم دارد، نامش عثمان است و پدرش عنبسه است و از نوادگان ابوسفیان است و هر آینه اگر سفیانی را ببینی پلیدترین آدمیان را دیده‌ای، زرد فام، سرخابی رنگ است و... بدان درجه از پلیدی رسیده است، زنی را که مادر فرزند اوست؛ زنده بگور می‌کند...^{۴۵} تا مبادا او را شناسائی کرده و معرفی نماید... هرگز بندگی خدا را نکرده است و هرگز مکه و مدینه را ندیده است.^{۴۶}

ب) عقیده سفیانی: امام باقر علیه السلام: سفیانی از بیابان خشک از سرزمین شام - یا از سرزمین روم - خواهد آمد در حالی که نمادش نصرانیت است و برگردنش گردنبندی از صلیب آویخته است و او فرمانده لشکریان است.^{۴۷}

ج) مکان خروج و حکومتش: امام صادق علیه السلام: اگر بر شهرهای پنجگانه، دمشق و حمص و فلسطین و اردن و قنسرین دست یافت، در این هنگام چشم انتظار فرج و ظهور باشید، بجلی گوید: من عرض کردم آیا ۹ ماه حکومت می‌کند؟ فرمودند: نه، ولی هشت ماه به

امام زمان (عج)؛ موعود پیامبران و امید بشریت

حکومت می‌رسد که هرگز پیش از این نخواهد ماند و بود، ... تا این که به سرزمینی که آباد و سرسبز و خرم که دارای نهرهاست خواهد آمد و بر منبر آن بالا خواهد رفت.^{۴۸}

(د) زمان خروجش: امام صادق علیه السلام: براستی که خروج سفیانی، حتمی و قطعی است که در ماه رجب است.^{۴۹} و خروج سفیانی و ظهور حضرت مهدی (عج) در یک سال رخ می‌دهد.^{۵۰}

(ه) شعارش: امام صادق علیه السلام: ای خدا، انتقامم، انتقامم، سپس مرا در آتش بینداز.^{۵۱}

(و) محل شکست او: امام باقر علیه السلام: فرمانده لشکریان سفیانی به دشت و بیابانی - میان مکه و مدینه - می‌رسد سروشی در کهکشان سر داده می‌شود، که: ای دشت و بیابان، این گروه و لشکریان را در خود فراگیر و نابودشان کن. زمین آنها را در خود فرود می‌برد، و جز سه نفر زنده نمی‌مانند و نجات نمی‌یابند که خداوند چهره آنها را به پشت واژگون خواهد کرد.^{۵۲}

۱۱-۲) سروش آسمانی

(الف) زمان آن: امام صادق علیه السلام: سروش و ندای آسمانی شب جمعه در ماه رمضان که ۲۳ شب از آن سپری شده است، رخ می‌دهد.^{۵۳}

ب) موضوع آن: امام صادق علیه السلام: منادی، سروشی از آسمان در آغاز روز سر می دهد: بدانید که حق، با علی علیه السلام و شیعیانش می باشد. سپس ابلیس - که لعنت خدا بر او باد - در پایان روز آواز سر می دهد: بدانید که حق با سفیانی - یا در روایت های دیگر با عثمان - و پیروان اوست که در این هنگامه گمراهان و رهروان باطل، به تردید و شک دچار می شوند. ^{۵۴}

ج) زبان سروش آسمانی: زراره از امام صادق علیه السلام روایت می کند که فرمود: منادی سروشی را بنام قائم (عج) سر می دهد پرسیدم: سروشش خصوصی یا عمومی است؟ فرمودند: عمومی است که هر قوم و ملتی آن را به زبان خویش خواهند شنید. پرسیدم: با این حال که بنام او ندا سر می دهند، دیگر چه کسی با امام مخالفت می کند؟ فرمودند: ابلیس آنها را رها نخواهد کرد تا این که یک منادی در پایان شب ندا سر می دهد و شک و تردید در آنها بوجود می آورد. ^{۵۵} امام صادق علیه السلام فرمودند: خروج سه نفر، خراسانی و سفیانی و یمانی، در یک سال و در یک ماه و در یک روز رخ می دهد و هیچ پرچمی برتر و شایسته تر از پرچم یمانی نیست زیرا که مردم را به سوی حق و حقیقت رهنمون می کند. ^{۵۶} امام باقر علیه السلام: مهدی (عج) ظهور نمی کند مگر آن که همراه با آفتاب، آیتی و علامتی طلوع کند. ^{۵۷}

(۱۱-۳) خسوف و کسوف: یزید بن خلیل اسدی می گوید: من در محضر امام باقر علیه السلام بودم که ایشان دو نشانه او را که بر این کره خاکی فرود می آید و تاکنون رخ نداده است، یاد کردند و نام بردند، و آن دو آیت و نشانه چنین بودند: که آفتاب در نیمه ماه رمضان کسوف و ماه در پایان آن خسوف می کند!! مردی از میان جمعیت با شگفتی پرسید: ای فرزند رسول خدا، نه، چنین نخواهد بود بلکه آفتاب در پایان ماه رمضان کسوف و ماه در نیمه آن خسوف خواهد کرد!! امام باقر علیه السلام پاسخ فرمودند: من می دانم که تو چه می گوئی و بدان آگاهم، به همین دلیل است که براستی آنها دو آیه و دو نشانه ای هستند که از زمان هبوط حضرت آدم علیه السلام تاکنون رخ نداده است ^{۵۸} و در این هنگامه است که محاسبات ستاره شناسان از میان خواهد رفت. ^{۵۹}

(۱۱-۴) نفس زکیه

(الف) نامش: امام باقر علیه السلام: نامش محمد بن الحسن، نفس الزکیه یعنی (روح پاک) نامیده می شود ^{۶۰} و بدون هیچ جرم و گناهی به شهادت می رسد و اگر او را به شهادت رساندند نه «برای افلاکیان» در آسمان عذری دارند، و نه بر روی زمین دیگر یار و پشتیبانی خواهند داشت. ^{۶۱}

(ب) محل شهادتش: امام باقر علیه السلام ... و جوانی از خاندان محمد صلی الله علیه و آله

را میان رکن حجرالاسود و مقام ابراهیم علیه السلام بشهادت می رسانند

ج) فاصله زمانی شهادتش و ظهور حضرت مهدی (عج)؛ امام صادق علیه السلام: فاصله‌ای میان قیام قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و کشته شدن «نفس زکیه» نیست مگر پانزده شبانه‌روز.^{۶۲}

۱۲. زمان ظهور حجت (عج)

امام صادق علیه السلام: کسانی که وقت ظهور حضرت را معین می‌کنند، دروغگویانند؛ ما اهل بیت، زمان ظهورش را معین نمی‌کنیم، خداوند دریغ دارد مگر آن که با تعیین کنندگان زمان ظهورش مخالفت کند.^{۶۳}

امام صادق علیه السلام به محمد بن مسلم فرمودند: ای محمد، هر آن کس که از طرف ما به تو خبر از زمان ظهور امام زمان (عج) می‌دهد از او ترس به خود راه مده که او را دروغگو بخوانی، زیرا که ما برای هیچ کس زمانی را مشخص و معین نکرده‌ایم.^{۶۴} امام صادق علیه السلام: امام زمان (عج) ظهور نمی‌کند مگر در سالهای فرد، یک یا سه یا پنج یا هفت یا نه ظهور می‌کند.^{۶۵} امام باقر علیه السلام: امام زمان (عج) در روز شنبه در روز عاشورا که امام حسین علیه السلام در آن روز به شهادت رسیده است، ظهور می‌کند.^{۶۶}

می‌کند.^{۶۷}



امام زمان (عج)؛ موعود پیامبران و امید بشریت

۱۳. مکان ظهور حجت (عج)

امام صادق علیه السلام: ... اگر خروج کند تکیه بر کعبه می کند و سیصد و سیزده نفر مرد و زن بدو می پیوندند و اولین سخنی که می گوید این آیه را می خواند «آنچه که خداوند برای شما باقی گذارده برای شما بهتر است اگر ایمان داشته باشید. هود/۸۶» سپس می فرماید: «من آنم که خداوند برای شما باقی گذارده در زمین و خلیفه و حجت او هستم» هیچ مسلمانی بر او سلام نمی کند مگر آن که به ایشان چنین گوید: سلام بر تو ای بازمانده خداوند در زمین»^{۶۸}

۱۴. فضای ظهور

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: مهدی (عج) خروج می کند در حالی که بر سر او فرشته ای یا ابری سایه افکنده است که در آن روز منادی ندا سر می دهد «این مهدی (عج) خلیفه خداست» از او پیروی کنید...^{۶۹} در حالی خروج می کند که جبرئیل در سمت راست و میکائیل در سمت چپ او قرار دارد و شیعیانش از همه اطراف زمین به سوی او بصورت طی الارض شتابان جمع می شوند و بر گرد او حلقه می زنند تا با او بیعت کنند.^{۷۰}

۱۵. مکان بیعت و ظهورش

امام باقر علیه السلام: در مکه میان رکن حجرالاسود و مقام حضرت ابراهیم علیه السلام تعداد سیصد و چند نفر «به تعداد لشکریان جنگ بدر» با او بیعت خواهند کرد..^{۷۱} و اگر تعداد ده هزار نفر مرد برگرد او حلقه زنند و با او بیعت کنند ظهور و خروج خواهد کرد.^{۷۲}

۱۶. زمینه‌سازان ظهورش

عبدالله بن مسعود گوید: به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله شرفیاب شدیم و ایشان با چهره‌ای که بشارت به نیکی و شادابی می‌داد و سرشار از شادمانی بود به سوی ما آمدند تا این که جوانانی چند از خاندان بنی‌هاشم، که در میان آنها حسن و حسین علیهما السلام بودند از روبروی ما گذشتند هنگامی که چشمش به آنها افتاد با نگاه خویش آنها را تعقیب کرد در همین حال چشمانش لبریز از اشک شد، علت آن را جویا شدیم؟ فرمودند: ما خاندانی هستیم که خداوند برای ما آخرت را بجای دنیا برگزیده است و «می‌دانم و یقین دارم که» خاندان من به بلا و آوارگی و آزار و تعقیب و گریز و آوارگی دچار خواهند شد تا آن که زمانی فرا رسد که ملتی از سمت مشرق زمین خواهد آمد که پرچمهایی سیاه در دست دارند و خواهان حق و نیکی هستند، اما پاسخی به آنها داده نمی‌شود (و به ناچار) می‌جنگند؛ یاری و

پشتیبانی خواهند شد و هر آن چه که درخواست کرده بودند به آنها داده می شود، اما این بار آن را نمی پذیرند تا این که آن را با رادمردی از خاندان من باز پس می گیرند و به او می دهند و او نیز زمین و جهان را سرشار از عدل و داد خواهد کرد همانگونه که آن را پر از بیداد و ستم کرده بودند، هر کس که آن روز را دید بدان زمان رسید به سوی آن قوم و ملت آید و حضور بهم رساند اگر چه بصورت سینه خیز بر زمین یخبندان هم باشد، زیرا که پرچمهای آنان پرچمهای هدایت است که به مردی از خاندان من که نامش همانام من است و نام پدر او همانام پدر من است می دهند و به حاکمیت و حکومت می رسد و زمین را سرشار از عدل و داد و آباد می سازد همانگونه که پر از ستم و بیداد و ستم بی بنیاد بوده است.^{۷۳}

پیامبر ﷺ فرمود: از مشرق زمین مردمی خروج می کنند تا برای حضرت مهدی (عج) زمینه ظهورش را فراهم کنند^{۷۴} و هر آینه اگر پرچمهای سیاهی را دیدید که از سوی خراسان برافراشته و ظهور کردند به سوی آنها - گر چه بصورت سینه خیز هم که باشد - بروید زیرا که در میان آنان خلیفه خداوند حضرت مهدی (عج) هست.^{۷۵}

۱۷. یاوران مهدی (عج)

جابر ابن عبدالله انصاری گوید: از پیامبر ﷺ شنیدم که می فرمود:

گروهی از امت من همچنان برای خاطر حق و حقیقت به صورت آشکار و بی مهابا تا روز قیامت در جنگ و ستیز با باطل هستند... تا این که حضرت عیسی بن مریم علیه السلام نیز ظهور خواهد کرد و از آسمان فرود می آید و رهبر این گروه از امت به او گوید: نزدیک آی، و امام جماعت این جمعیت باش ولی حضرتش پاسخ می دهند نه، من پیشقدم نخواهم شد چه، برخی از شما بر برخی دیگر امیر و الگوی همدیگر هستید زیرا خداوند می خواهد این گروه از امت را کرامت و عزت و بزرگواری بخشد...^{۷۶} و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: شما چگونه خواهید بود در آن لحظه و زمانی که فرزند حضرت مریم «حضرت عیسی علیه السلام» فرود آید در حالی که پیشوا و رهبرش از شما می باشد^{۷۷}

۱۸. کیفیت انتخاب یاورانش

امام صادق علیه السلام: هر یکی از شما که صبحگاهان از خواب برمی خیزد برگی را زیر سر خویش خواهد دید که بر آن نوشته «زمان طاعت و بندگی» فرارسید.^{۷۸} و اگر قائم قیام کند، شمشیرهای جنگ و رزم نیز فرود خواهد آمد که بر هر شمشیری نام و نام پدر یاوران حضرت مهدی (عج) بر آن نوشته شده است^{۷۹}.

۱۹. جنسیت و ویژگی یاورانش

امام رضا فرمودند: سوگند به خدا، سیصد و سیزده نفر که پنجاه تن از آنان زن هستند در مکه حضور بهم می‌رسانند^{۸۰}... همانند تعداد «یاوران پیامبر ﷺ در جنگ بدر هستند» که گروههایی از عراق و ابدال «جایگزینان» از شام «که اگر یکی از آنها بمیرد دیگری جایگزین او می‌شود» به یاری او می‌شتابند.^{۸۱} و همانند پاره ابرهای پائیزی گرد هم جمع می‌شوند^{۸۲} و از هیچ کس وحشت و دلهره ندارند و از پیوستن یک نفر هم - که به آنها می‌پیوندد - شاد و دلگرم نخواهند شد تعداد آنها - همانند - اصحاب و لشکریان جنگ بدر هستند که نه گذشتگان از آنها پیشی می‌گیرند و نه آیندگان به منزلت آنان می‌رسند، تعداد آنها همسان عدد اصحاب طالوت می‌باشند که به همراه او از رودخانه به سلامت گذشتند.^{۸۳} و همانان حاکمان زمین و کارگزاران او خواهند بود و امام زمان (عج) به وسیله آنها و دیگر یارانش که خداوند با فرشتگانش به یاری آنها می‌پردازد، شرق و غرب جهان را برای او خواهد گشود.^{۸۴} و پارسایان شب و شیران روز هستند.^{۸۵} امام صادق علیه السلام فرمودند: ... هر یک از مردان یاران او، قدرت و نیروی چهل مرد به او داده می‌شود و دلش از ذرات پولاد محکم‌تر است به گونه‌ای که اگر از کنار کوههای آهنین بگذرند آن را از جای برمی‌کنند و

شمشیرهای خود را در نیام نمی‌نهند مگر این که خداوند رضایت دهد.^{۸۶} امام باقر علیه السلام فرمودند: اگر قائم (عج) قیام کند، خداوند از هر مؤمن، سستی و ناتوانی را دور ساخته و توان می‌بخشد و نیرو و توانش را بدو باز می‌گرداند.^{۸۷} و هر مردی توان چهل مرد بدو بخشیده می‌شود. و دل‌هایشان همچو ذرات پولاد محکم و استوار می‌گردد اگر بخواهد، می‌تواند کوهها را از جای برگند، و رهبران و پیشوایان زمین و خزانه داران آن خواهید بود.^{۸۸}

۲۰. شعار یارانش

امام صادق علیه السلام فرمودند: آرزو دارند که در راه خدا بشهادت برسند و شعار آنان «خونخواهی و انتقام از خون حسین علیه السلام است»^{۸۹} و شمشیرهای خود را در نیام نخواهند نهاد تا این که خداوند - عزوجل - از آنها خشنود گردد.^{۹۰}

۲۱. بیرون مهدی (عج)

الف) تعداد آنها: امام صادق علیه السلام پس از ظهور «برای گسترش آئین و دین خود از مکه» بیرون نخواهد آمد مگر آن که دارای توان و قدرت گردد و قدرت و توانمندی‌اش کمتر از ده هزار نفر نخواهد بود.^{۹۱} و در

مکه اقامت می‌کند تا آن که یارانش به ده هزار نفر برسند سپس به سوی مدینه حرکت می‌کند...^{۹۲} در کره زمین معبودی - همانند بت و مجسمه و غیره - جز خداوند نخواهد ماند مگر این که در آنجا آتشی شعله‌ور گردد و او را بسوزاند و این حوادث پس از غیبتی طولانی رخ می‌دهد، تا در زمان غیبت، خداوند بداند که چه کسی در آن زمان اطاعتش می‌کند و بدو ایمان دارد.^{۹۳}

ب) ویژگیهای یارانش و شهرهای آنان: حذیفه گوید: من از پیامبر ﷺ شنیدم که فرمود: هنگام خروج قائم، سروشی آسمانی ندا می‌دهد، هان! ای مردم، دولت و قدرت زورگویان از هم گسست و عمر آنان به پایان رسید و رهبری مردم و جامعه به بهترین و نیک‌ترین شخص از امت محمد ﷺ رسید، به مکه بروید (و به آنها پیوندید) نجیبان و پاکان از مصر و ابدال از شام و گروههایی از مردم عراق بدو می‌پیوندند، آنهایی که پارسایان شب و شیران روز هستند و گویا دل‌هایشان از پولاد آبدیده است با او در میان رکن یمانی و مقام ابراهیم علیه السلام بیعت نموده و پیمان می‌بندند.^{۹۴} علی علیه السلام فرمودند: خوشا بحال طالقان زیرا که در آنجا برای خداوند - عزوجل - گنج‌هایی پنهان هست که نه از طلا و نی از نقره است، ولی در آنجا رادمردانی هستند که خداوند را به راستی و درستی و به حقیقت شناخته‌اند و آنها یاران مهدی (عج) در آخرالزمان هستند.^{۹۵}

۲۲. دشمنان حضرت

فضل بن یسار گوید: من از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: قائم (عج) ما که قیام می‌کند، مردم به گونه‌ای سخت‌تر از آنچه که با پیامبر صلی الله علیه و آله از جاهلان دوره جاهلیت روبرو شده بودند، روبرو خواهد شد. عرض کردم: چگونه چنین خواهد شد؟ فرمودند: زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله «برای تبلیغ دین و آئین» مبعوث شد. آنها کلوخ و سنگ و چوبهائی تراشیده شده و مجسمه‌های چوبین را می‌پرستیدند، ولی اگر قائم ما قیام کند و ظهور کند برای هدایت مردم می‌آید در حالی که همه آنها کتاب خدا «قران» را برای ایشان تفسیر و تاویل می‌کنند!! و با قران و آیات آن بر علیه او مناظره و محاجّه خواهند کرد!! سپس به خدا سوگند عدل و داد ایشان تا درون خانه و کاشانه شان راه خواهد یافت همانگونه که سرما و گرما بدان راه می‌یابد^{۹۶}... بر علیه قائم ما قیام می‌کنند و در برابرش می‌ایستند و کتاب خدا را بر علیه او تاویل می‌کنند و بر اساس همان اندیشه و تاویل قران!! با او جنگ و ستیز می‌کنند.^{۹۷} ابان بن تغلب می‌گوید که من از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: اگر پرچم حق برافراشته شد مردم مشرق زمین و مردم مغرب زمین او را لعن و نفرین خواهند کرد سپس فرمود: آیا می‌دانی چرا چنین می‌کنند؟ عرض کردم: خیر، فرمودند: انگیزه آنها برای این است که مردم پیش از خروج ظهورش از خاندان او «در گفتار و کردار

ستم و بیداد» دیده‌اند^{۹۸} - و در روایت دیگری چنین فرمودند: - زیرا مردم آنچه که از خاندان بنی هاشم «پیش از ظهورش» دیده‌اند او را ناسزا گویند.^{۹۹}

۲۳. سیرت امام زمان (عج)

۲۳-۱) سیرت فردی: امام صادق علیه السلام: اگر قائم (عج) ما از خاندان عترت قیام کند جامه علی علیه السلام را می‌پوشد و به روش و منش او رفتار می‌کند.^{۱۰۰} به خدا سوگند لباسش جز زمخت و خشن و خوراکش جز ناگوار نخواهد بود.^{۱۰۱} حارث بن مغیره نصری می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: با چه چیزی امام زمان (عج) را می‌توان شناخت؟ فرمودند: به طمانینه و آرامش و وقار و دانش و وصیت نامه‌ای که در اختیار اوست^{۱۰۲} عرض کردم با چه چیزی دیگر می‌توان او را شناخت؟ فرمودند: او را با حلال و حرام و همچنین نیاز مردم به او می‌توان او را شناخت در حالی که او به هیچ‌کس نیاز ندارد.^{۱۰۳}

۲۳-۲) مظهر سنت‌های پیامبران علیهم السلام: امام صادق علیه السلام: امام زمان (عج) در جامعه به شیوه پیامبر صلی الله علیه و آله رفتار خواهد کرد و به روش و منش و کردار ایشان با آنها برخورد خواهد کرد.^{۱۰۴} امام سجاده علیه السلام فرمودند: در قائم (عج) ما هفت سنت از پیامبران هست، سنتی از پدرمان

حضرت آدم علیه السلام و سنتی از نوح و سنتی از ابراهیم و سنتی از موسی علیه السلام و سنتی از عیسی علیه السلام و سنتی از ایوب علیه السلام و سنتی از محمد صلی الله علیه و آله داراست. اما سنتی که از حضرت آدم و نوح علیه السلام برخوردار است طول عمر است و اما سنتی که از ابراهیم علیه السلام برخوردار است ولادت پنهانی او و عزلت گزینی از مردم است و اما سنتی که از موسی علیه السلام است ترس و پنهان شدن اوست. اما سنتی که از عیسی است اختلاف مردم درباره اوست اما سنتی که از ایوب علیه السلام در اوست آسایش و گشایش پس از امتحان و آزمایش اوست و اما سنتی که از محمد صلی الله علیه و آله در اوست خروج او با شمشیر است. ۱۰۵

۲۳-۳) سیرت اعتقادی

الف) اصلاح و نوسازی اندیشه‌ها و بنیادهای فکری: عبدالله بن عطا گوید که از امام باقر علیه السلام سؤال کردم: اگر قائم (عج) قیام کند، در میان مردم و جامعه با چه شیوه‌ای حکومت خواهد کرد؟ فرمودند: هر آنچه که پیش از او بر جامعه حاکم بود، ویران خواهد کرد، همانگونه که پیامبر صلی الله علیه و آله چنین کرد و اسلام را به گونه‌ای نو آغاز و پیاده خواهد کرد ۱۰۶ و هر آنچه که در زمان صلح و آرامش برقرار بوده است و در دسترس مردم قرار گرفته بود باطل خواهد کرد و با آنها به عدل و داد

امام زمان (عج)؛ موعود پیامبران و امید بشریت

رفتار خواهد کرد^{۱۰۷} امام صادق علیه السلام: اگر قائم (عج) قیام کند با برنامه‌ای نوین خواهد آمد همانگونه که پیامبر صلی الله علیه و آله با برنامه نوینی دعوت خویش را آغاز کرد^{۱۰۸} و مردم را به اسلام نوین دعوت خواهد کرد و آنها را به آثاری که بر اثر بیدادگری کهنه و مندرس گشته، و مردم و افراد جامعه گمراه و گمگشته‌اند، هدایت و رهنمون خواهد کرد... و اسلام، غریبانه و مظلومانه آغاز شد و بار دیگر نیز غریبانه باز خواهد گشت و درود و آفرین بر غریبانه‌ها^{۱۰۹}

ب) نابودی بدعتها و احیای سنتها: پیامبر صلی الله علیه و آله: خداوند به وسیله او هر بدعتی را نابود می‌سازد و گمراهی‌ها را از بین می‌برد و سنتها را زنده می‌کند^{۱۱۰} امام باقر علیه السلام: هیچ بدعتی را فروگذار نخواهد کرد مگر آن که آن را از بین خواهد برد و هیچ سنتی را فروگذار نخواهد کرد - مگر آن که آن را زنده و پویا و برپا می‌کند.^{۱۱۱}

۲۳-۴) سیرت او در جهاد و رزم: پیامبر صلی الله علیه و آله: مهدی (عج) مردی از خاندان من است که برای برپا داشتن سنت من می‌جنگد همانگونه که من نیز برای فرود وحی می‌جنگیدم.^{۱۱۲}

۲۳-۵) سیرت او در پیاده‌سازی حاکمیت الهی: امام صادق علیه السلام: هیچ سرزمینی نخواهد ماند مگر این که در آن ندا و صدا؛ شهادت به یگانگی و وحدانیت خدائی که جز او خدائی نیست و شریکی ندارد

و شهادت به نبوت و رسالت محمد ﷺ طنین انداز گردد. ۱۱۳
 امام صادق علیه السلام: اگر قائم (عج) ما قیام کند ... در روزگارش بیداد
 بی بنیاد برپاد خواهد رفت، و راهها، امن و امان خواهد شد و هر حقی
 به خاندان و صاحبانش باز می گردد و هیچ انسان و ملتی دین دار
 نخواهد ماند مگر این که مسلمانی خود را اظهار می کنند و مؤمن
 می شوند... ۱۱۴... مگر فرموده خداوند را نشنیده ای که «همه کسانی که
 در آسمانها و زمین هستند از روی اختیار یا به اجبار در برابر فرمان و قانون او
 تسلیم هستند و همه به سوی او بازگردانده می شوند آل عمران/ ۸۳»... و هر
 کافری - حتی - درندگان در دولتش آرام و رام می گردند. ۱۱۵

(۶-۲۳) سیرت او در احیای قران: امام باقر علیه السلام: چون قائم
 آل محمد ﷺ ظهور کند چادرهائی را برپا می کند قران را به همان گونه
 که خداوند آن را از عرش برین بر زمین فرود آورده است آموزش
 می دهد و آن روز، فرا گرفتن قران بسیار سخت و دشوارتر از آنچه که
 امروز کسی آن را فرا گرفته است، می باشد. زیرا که برخلاف آنچه که
 امروز گردآوری شده است، می باشد. ۱۱۶ علی علیه السلام می فرماید:
 خواهش های نفسانی را به هدایت آسمانی بازمی گرداند، و آن
 هنگامی است که برخی، هدایت و رستگاری را پیرو هوای خویش
 ساختند رأی آنان را پیرو قران می سازد و آن، هنگامی است که قران را
 پیرو رأی نظر خود ساخته بودند. ۱۱۷

۲۳-۷) سیرت او در دگرگونی خردها و دلها: امام باقر علیه السلام: اگر قائم (عج) ما قیام و ظهور کند. دستش را بر سر بندگان خدا می نهد که بدین وسیله، خردهای پریشان و آشفته آنان جمع می گردد و امید و آرزوهای آنان کامل می شود^{۱۱۸} و اخلاق آنها را کامل می کند^{۱۱۹}

۲۳-۸) سیرت او در جانها و روانها: علی علیه السلام ... و اگر پرچمی را برافراشت از مشرق تا مغرب؛ زمین برای او روشن و تابناک می گردد و چون دست بر سر بندگان کشد، هیچ مؤمنی نخواهد ماند مگر این که دلش از پولاد محکم تر و استوارتر گردد، خداوند بدو نیروی چهل مرد را می بخشد.^{۱۲۰}

۲۳-۹) سیرت او در پیوند دلها و جانها: امام باقر علیه السلام: ... سپس امام زمان (عج) به مردم می فرماید: بیائید به پیوستن آنچه که از خویشان و بستگان خود گسستید و خون حرامی را که بسیار و سرشار بر زمین ریختید و آنچه که خداوند - عَزَّوَجَلَّ - بر شما حرام کرده بود بدان دست زدید و به آن آلوده شدید؛ دست بشوئید و از آنها رهائی یابید^{۱۲۱}

۲۳-۱۰) سیرت او در احیا و گسترش دانش: امام صادق علیه السلام: علم و دانش بیست و هفت حرف می باشد همه پیامبران و فرستادگان الهی ره آورد آنها دو حرف بوده است مردم تاکنون بجز دو حرف چیزی نمی دانند، اگر قائم (عج) ما قیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را عیان

خواهد کرد و در میان مردم پخش خواهد کرد و دو حرف دیگر را به آنها ضمیمه خواهد کرد تا همه آنها را - که تمامی علم و دانش است - که بیست و هفت حرف است، بگسترانند. ۱۲۲

۲۳-۱۱) سیرت او در حج: امام صادق علیه السلام: نخستین چیزی که قائم (عج) آن را آشکار و عیان خواهد کرد عدالت و دادگری است که سخنگویش آواز و ندا سر می دهد: کسی که طواف مستحبی انجام می دهد برای آنانی که طواف واجب دارند حجرالاسود و فضای مطاف را خلوت کنند. ۱۲۳

۲۳-۱۲) سیرت او در حقوق مردم: پیامبر صلی الله علیه و آله ... و هیچ خفته ای را - که در خواب غنوده است - بیدار نمی کند و هیچ خونی را - به ناحق و باطل - بر زمین نخواهد ریخت. ۱۲۴ امام صادق علیه السلام: ... حق هر جاننداری را می پردازد. ۱۲۵

۲۳-۱۳) سیرت او در رفاه اجتماعی و توزیع ثروت: پیامبر صلی الله علیه و آله: قیامت برپا نخواهد شد مگر آن که - بعد از ظهور حضرتش و تشکیل دولتش - مال و ثروت بسیار و سرشار و سرازیر گردد بدان گونه که مردی با زکات اموالش از خانه بیرون می آید که به کسی آن را ادا نماید، ولی کسی را نمی یابد و از او نمی پذیرد و سرزمین عرب سرسبز و حاصلخیز و پر از نهر و جویبار می گردد. ۱۲۶ جابر ابن عبدالله از

امام زمان (عج)؛ موعود پیامبران و امید بشریت

پیامبر ﷺ روایت کرده است که فرمودند: در آخرالزمان کسی به خلافت می‌رسد که مال و ثروت را در میان مردم تقسیم می‌کند و آن را نمی‌شمارد... ۱۲۷ و اُمّت من در دنیا در دورهٔ دولت او به نعمت و آسایش و گشایشی می‌رسند که هرگز پیش از آن ندیده بودند که شامل خوب و بد آنها هم می‌گردد و مال انباشته شده را به هر مردی که از راه برسد و درخواست نماید، می‌بخشد و دامنش را سرشار و پر از مال خواهد کرد. ۱۲۸

۲۳-۱۴) سیرت او در عدالت اجتماعی: امام صادق علیه السلام: ... آیا مگر نمی‌دانی که حق، دولتی دارد و باطل، نیز دولتی دارد و هر دو دولت در برابر دولت‌مدار حقیقی و صاحب آن، «یعنی امام زمان (عج)» خوار و بی‌مقدار هستند. هر کسی که در دولت باطل به ثروت و ملک و مکنت رسیده است در دولت حق و امام زمان (عج) تاوان آن را بازپس می‌دهد ۱۲۹ امام رضا علیه السلام: ... خداوند به وسیله او زمین را از هر ستمی پاک می‌کند، و از هر ظلم و بیدادی منزه می‌نماید و هموست که مردم در ولادتش شک و تردید دارند... اگر خروج کند زمین با نور الهی پرفروع و فروزان می‌شود و ترازوی عدالت را در میان مردم برپا می‌دارد و دیگر هیچ کسی به دیگری ظلم و ستم و بیداد نخواهد کرد ۱۳۰ امام باقر علیه السلام: ... وی اموال را بصورت یکسان توزیع می‌کند، و

در میان خلق خداوند رحمان - چه خوب و چه بد - به عدالت پخش می‌کند هر آن کسی که از او اطاعت کند، از خداوند اطاعت کرده است و هر کسی که از او سرپیچی کند از خداوند سرپیچی کرده است. ۱۳۱

۲۳-۱۵) سیرت او در اجرای آئین نامه‌های اجتماعی: امام کاظم علیه السلام فرمودند: اگر قائم (عج) ما قیام کند، می‌فرماید: ای جمعیت مرکب سواران «وسیله نقلیه داران» در وسط جاده و خیابان حرکت کنید، و ای گروه مردمان در دو سوی راهها و گذرگاهها - پیاده‌روها - حرکت کنید هر اسب سواری - خودرو سواری - در دو سوی راهها و گذرگاهها حرکت کرد و با رهگذری دیگر برخورد کرد و او را مصدوم نمود او را مجبور به پرداخت دیه خواهیم کرد و هر آینه اگر رهگذری در وسط راه و شاهراه گذر کرد و مصدوم گردید هیچ دیه‌ای به او پرداخت نخواهد شد «زیرا که خودش مقصر بوده است». ۱۳۲

۲۳-۱۶) سیرت او در اموال: پیامبر صلی الله علیه و آله: ... اموال را بصورت صحیح تقسیم می‌کند مردی از میان جمعیت پرسید: معنای صحیح چیست؟ فرمودند: مال را بصورت مساوی و در میان مردم تقسیم می‌کند، و امام؛ دل‌های امت محمد صلی الله علیه و آله را سرشار و بی‌نیاز می‌سازد و عدل و دادش فراگیر می‌گردد بدین گونه که به یک منادی دستور می‌دهد که ندا در دهد، که چه کسی نیاز به مال دارد؟ هیچکس از مردم از جای

برنمی خیزد مگر یک مرد، امام به او می فرماید: به سوی سادن «یعنی نگهبان و خزانهدار» برو و به او بگو: آن گونه که مهدی (عج) به تو دستور می دهد، مالی را به من پرداخت کنی؛ نگهبان بدو می گوید: دستهایت را بالا بیاور و هر چه می خواهی بردار و دامنش را از مال سرشار و پر بار می سازد که ناگهان - آن مرد - پشیمان می گردد و می گوید: من حریص ترین شخص از میان امت محمد ﷺ بودم که آنها از پاسخگوئی به حرص و نیازم عاجز و ناتوان مانده بودند - سپس «با شرمندگی» آنچه را که گرفته است باز می گرداند. اما از او پذیرفته نمی شود و بدو گویند: ما چیزی را که بخشیده ایم باز پس نمی گیریم و این شیوه «۷» سال بدین گونه سپری می شود یا «۸» سال و یا «۹» سال چنین می گذرد سپس، پس از او دیگر زندگی و زیستن هیچ لذت و شادکامی ندارد. ۱۲۲

۲۳-۱۷) سیرت او در قضاوت: امام صادق علیه السلام: اگر قائم آل محمد علیهم السلام قیام کند به همان شیوه حکم و قضاوت می کند که سلیمان قضاوت کرد و دیگر از مردم دلیل و برهان را نمی پذیرد (زیرا که به همه اسرار نهان و پنهان، آگاه و دانا است) و حکم شرعی هر جاننداری را می دهد ۱۲۴... و به سه چیز حکم و قضاوت خواهد کرد که تاکنون هیچ کسی قضاوت نکرده است. الف: پیرمرد زناکار؛ ب: کسی که مردم

را از پرداخت زکات باز می‌دارد. ج: و برادر را در عالم سایه و عالم زر وارث برادرش می‌نماید. ۱۳۵ علی علیه السلام: امام زمان (عج) قاضیان بدکردار را برکنار و دست سازشکاران «رشوه‌گیران و زد و بندکنندگان» را از سرتان کوتاه و حکمرانان ستم پیشه را برکنار و زمین را از هر فریب‌کار پاک کرده و با عدل و داد کردار خواهد کرد ۱۳۶ امام باقر علیه السلام: در زمان حاکمیتش، حکمت همه جا فراگیر می‌شود به گونه‌ای که حتی زن در خانه خود بر اساس کتاب خداوند «قران» و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله همچو مجتهدی به قضاوت پرداخته و به تکلیف خویش پردازد. ۱۳۷

۲۳-۱۸) سیرت او درباره اهل کتاب: امام باقر علیه السلام: تورات و دیگر کتابهای الهی «آسمانی» را درون غار انطاکیه بیرون می‌آورد و در میان یهودیان با کتاب تورات و میان مسیحیان با کتاب انجیل و در میان اهل زبور با کتاب زبور داود و در میان مسلمانان و اهل قران، با قران، به قضاوت و دادگری می‌پردازد... ۱۳۸ و اگر ظهور و خروج کند، به یهودیان و مسیحیان و صابئین «پیروان حضرت یحیی علیه السلام» و منکران خداوند و مرتدان - که از دین برگشته‌اند - و کافران شرق و غرب جهان، اسلام را عرضه می‌کند هر آن کس که سر تسلیم فرود آورد و از سر صدق و صفا مسلمان گردید او را به خواندن نماز و پرداخت زکات و هر آنچه که بر هر مسلمان تکلیف است و خداوند بر آنان واجب

نموده است دعوت می‌کند. و هر کس مسلمان نگرددید و تسلیم نشد گردنش را می‌زند، تا آنجائی که در شرق و غرب جهان کسی نخواهد ماند مگر آن که به یگانگی خدا شهادت دهد. عرض کردم: جانم بفدایت، خلاق پیش از این هستند که بتوان چنین کرد؟ امام فرمودند: اگر خداوند چیزی را اراده کرد انبوه و بسیار را آندک، و آندک را بسیار خواهد نمود. ۱۳۹

۲۴. آثار ظهور دولت یار (همدلی و رستگاری و فراوانی نعمت)

امام علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: یا رسول الله، آیا مهدی (عج) از خاندان ماست یا از دیگران است؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: بلکه از ماست و خداوند با ما همه چیز را به پایان می‌رساند همانگونه که با ما همه چیز آغاز گردید و با ما از شرک و بت پرستی رهائی و نجات می‌یابند و با ماست که خداوند «مهر و محبت و روحی سرشار از عشق می‌بخشد» تا میان دلها پیوند و همدلی برقرار سازد. ۱۴۰... ابوسعید خدری گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: در آخر و پایان زمان امت من، حضرت مهدی (عج) ظهور خواهد کرد که خداوند، باران رحمتش را به خاطر او می‌بارد و زمین، گیاهان خود را می‌رویاند و مال و اموال را به درستی و سلامتی می‌بخشد، و چهار پایان فراوان می‌شوند و امت و ملت، به عظمت و بزرگی نام برده می‌شوند. ۱۴۱

۲۵. آثار ظهور دولت یار در دل و جان انسان

پیامبر ﷺ: خداوند با ظهور مهدی (عج) در این اُمّت گشایش و آسایش را فراهم می‌نماید و دل‌های بندگان را سرشار از عبادت و بندگی می‌کند و عدل و داد او فراگیر می‌شود...^{۱۴۲}... و با حضور او، خداوند دروغ و نیرنگ و روح درندگی و ستیزه‌جوئی را از بین می‌برد و ذلت و خواری و طوق بندگی و بردگی را از گردنها می‌گشاید.^{۱۴۳}

... امام باقر علیه السلام: خداوند در دل شیعیان ما ترس را نهان کرده است اگر زمان ظهور و لحظه قیام قائم (عج) ما فرا رسد و مهدی (عج) از پس پرده نهان، عیان شد، هر یک از مردان شیعیان ما، از شیر، دلیرتر و از نیزه، برّنده‌تر و کارسازترند.^{۱۴۴}

۲۶. آثار ظهور دولت یار در کبکشان، انسان و جانداران

علی علیه السلام: ... و اگر قائم (عج) ما قیام کند، آسمان بارانش را سرازیر خواهد کرد و زمین سبزه‌هایش را عیان خواهد نمود و کینه‌ها از سینه‌ها بیرون می‌رود و درّندگان و چهارپایان «در کنار یکدیگر» همزیستی می‌کنند و زمان به گونه‌ای می‌شود که زن، میان عراق و شام با اطمینان و بی‌هراس تنها و پیاده سفر می‌کند و گام‌هایش را جز بر سر سبزه‌زارها نمی‌گذارد در حالی که زیور آلاتش بر سر و گردن اوست. و

امام زمان (عج): موعود پیامبران و امید بشریت

هیچ درّنده‌ای او را به ترس و هراس نخواهد افکند و او نیز از آنان وحشت ندارد. ۱۲۵ پیامبر ﷺ: اگر مهدی (عج) خروج کند، همه چهارپایان و درّندگان «در کنار همدیگر» در امنیّت و آسایش بسر می‌برند. ۱۲۶... امام باقر ﷺ: گویا یاران حضرت مهدی (عج) را می‌بینم که جهان را به حاکمیّت خویش درآوردند و هیچ موجودی نیست مگر آن که آن را به اطاعت خویش درآورده‌اند حتی درّندگان در زمین و پرندگان در آسمان، همه آرامش آنان را خواستار هستند، به گونه‌ای که گوشه‌ای از زمین بر گوشه دیگر زمین، افتخار و مباحات می‌کند که امروز یکی از یاران مهدی (عج) بر من گذشت و گامهایش را بر سینه من نهاد. ۱۲۷... امام صادق ﷺ: براستی که مؤمن در زمان قائم (عج) در حالی که در مشرق زمین است برادرش را که در مغرب زمین است و همچنین کسی که در مغرب زمین است برادرش را که در مشرق زمین است او را با چشم خویش می‌بیند. ۱۲۸ اگر قائم (عج) ما قیام کند خداوند در بینائی و شنوائی شیعیان ما آنچنان توانی می‌بخشد به گونه‌ای که میان آنها و حضرت قائم (عج) هیچ پست و پیکی نیست، ایشان با آنها گفتگو می‌کند و امام در حالی که در جایگاه خود هست با آنها سخن می‌گوید و سخنان او را می‌شنوند و با چشم خود او را می‌بینند. ۱۲۹ پیامبر ﷺ: در میان امت من مهدی (عج) به حکومت

می‌رسد... که در دولت او، امت من آنچنان به آسایش خواهند رسید که هرگز تاکنون بدین گونه آسایش و گشایشی نرسیده‌اند، در زمین هر آنچه خوردنی است و در درونش نهان بوده است، عیان می‌کند و هیچ چیزی را از آنها دریغ و ذخیره نخواهد کرد و اموال، در آن روزها سرشار و بسیار می‌گردد. ۱۵۰ «اگر مهدی (عج) خروج کند، زمین، پاره‌های جگر خود را، که طلا و نقره است، بیرون خواهد ریخت» ۱۵۱ سعید بن جبیر از پیامبر ﷺ روایت می‌کند: در سالی که مهدی (عج) در آن قیام می‌کند. «۲۴» بار باران می‌بارد که آثار و برکتهای آن آشکار و عیان می‌شود. ۱۵۲ امام صادق علیه السلام: ... اگر لحظه و زمان قیامش فرارسد بارش باران در ماه جمادی الاخر و ده روز از ماه رجب آنچنان بارانی می‌بارد که مردم تاکنون چنین بارانی ندیده‌اند. ۱۵۳ ... پیامبر صلی الله علیه و آله: ایشان به سنت من رفتار خواهد کرد و خداوند خیر و برکت را از آسمان بر او فرود خواهد آورد و زمین نیز خیر و برکت خویش را بر ایشان عرضه خواهد کرد. ۱۵۴

۲۷. عمر دولت یار

ابوسعید خدری از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: ... مهدی (عج) در میان مردم هفت یا هشت یا نه سال خواهد زیست

که همه زندگان زمان حکومت و حاکمیتش از آنچه خداوند به خاک نشینان از نیکی و خوبی و رحمتش عطا نموده است. مردگان خویش را بیاد می آورند و آرزو می کنند که ای کاش آنان نیز از این خوان نعمت و رحمتش بهره می بردند.^{۱۵۵} امام باقر علیه السلام: سیصد و نه سال زمام امور حکومت را در دست می گیرد همسان سالهای اصحاب کهف که «سیصد و نه سال» در غار در خواب غنوده بودند،^{۱۵۶} ... خداوند در زمان حضور حضرتش و برپائی دولتش به چرخ و فلک فرمان می دهد که «آهسته و آرام» به گردش درآیند تا بدانجا که هر یک روز از روزگاران ایشان، همانند ده روز شما و هر ماه ایشان، همچو ده ماه از شماست، و هر سال از سالیان دولت مداریش همسان ده سال از سالیان شماست.^{۱۵۷} که دوره حضور حضرتش و عمر دولتش و روزگاران خدمتش برابر هفتاد سال از سالهای کنونی شما می گردد.^{۱۵۸}

پی نوشت های موضوع: امام زمان (عج) در قرآن

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ... الْأَنْبِيَاءِ / ۱۰۵﴾

۱. الغيبة طوسی: ۱۷۶ / ۱۳۲؛ بحار الانوار: ۹ / ۱۲۶ / ب / ۱ و ص ۲۲۴ / ب

۱ / ح / ۱۱۱ و ج ۱۴ / ۳۳ / ب / ۳ و ج ۳۷ / ب / ۳ / ح / ۱۲ و ج ۵۱ / ۴۷۰ / ۶

ینابیع المودّة: ۴۷۸ / ب / ۷۱، مجمع البیان ۶۶ / ۷

۲. بحار الانوار: ۵۱ / ۵۳ / ۳۳ و ۵۱ / ۵۸ / ۵۲ و ۵۲ / ۳۲۳ / ب / ۲۷ / ۳۴ و

۵۲ / ۲۳۹ / ۱۰۵ و ۵۲ / ۲ - ۳۴۱ / ۹۱ و ۵۲ / ۳۶۸ / ب / ۲۶ / ۱۵۴؛

الغیبة نعمانی: ۳۱۳ / ب / ۲۰ / ح / ۴ و ۳؛ و در کمال الدین: ۲ / ۶۵۴ / ۲۱ از

امام سجّاد علیه السلام

۳. الغیبة نعمانی: ۲۴۱ / ب / ۱۳ / ۳۷؛ بحار الانوار: ۵۱ / ۵۸ / ۵۲

۴. بحار الانوار: ۵۲ / ۲۸۸ / ۲۶ و ۵۲ / ۳۶۹ / ب / ۲۷ / ۱۵۶؛ رک: الغیبة

نعمانی: ۳۱۴ / ب / ۲۰ / ۶

۵. الغیبة نعمانی: ۲۴۰ / ۱۳ / ۳۵ و الغیبة طوسی: ۱۷۷ / ۱۳۳؛

بحار الانوار: ۵۱ / ۵۸ / ۵۰ و ح ۳۴ و ۵۱ / ۶۴ / ب / ۵ / ۶۵، رک: کافی: ۱

۳ / ۱۹۳ /

۶. بحار الانوار: ۲۴ / ۲۲۷ / ب / ۲۳ / ۵۸ و ۵۱ / ۴۷ / ۷ و ۵۱ / ۵۸ / ح / ۵۳ و

۵۲ و ۵۳ / ۵۵ / ۳۲؛ الغیبة نعمانی: ۲۴۱ / ۱۳ / ۳۸

امام زمان (عج): موعود پیامبران و امید بشریت

٧. بحار الانوار: ٥١ / ٦٠ / ٥٨ و ٥٢ / ٣٢٤ / ٣٦ و ٥٢ / ٣٣٨ / ٢٠٦؛

ینایع المودّة ٧٨/٣؛ مسند أحمد: ٥ / ٣٠ / ٥٣٥٣؛ کمال الدین: ٢ / ٦٧٠

/ ب ٥٨ / ١٦؛ المجمع: ٧ / ٦٦٤ / ١٢٥٣٤؛ الجامع الكبير ترمذی: ٤ /

٨٩ / ٢٢٣٦؛ سنن ابن ماجة: ٢ / ١٣٦٢ / ٤٠٧٧؛ المعجم الكبير: (١٢) /

١٣١٩٧)؛ الأوسط: ٥ / ٦٤ / ٤١١١

٨. صحیح بخاری: ٢ / ٤٥٠ / ٥ و ١١١٤؛ دو حدیث و ٣ / ٤٢ / ١٢١؛

مسلم: ٤ / ٩ - ٢٢٣٨ / ٢٩٢١ دو حدیث؛ المعجم الكبير: (٩ / ٨٣٩٢) و

٢٥ / ٢٩٥ / ٤٨ و (١٣١٩٧/١٢)؛ أبو داود: ص ٦٥١ و ٦٥٠ أحادیث

٤٣١٠ الى ٤٣١٢؛ مسند أحمد: (٥ / ٦٣٦٦ و ٦١٤٧) و (٩ / ٩٣٦٥) و ٩ /

١٢٦ / ٩١٤٥ و ٩ / ٥٨٥ / ١٠٨٠٣؛ المجمع: (٧ / ١٢٥٢٠)؛ و در سنن

ابن ماجة: ٢ / ١٣٦٢ / ٤٠٧٧؛ بحار الانوار: ٥١ / ٦٠ / ٥٨؛ ٥٢ / ٣٢٤ /

ب ٢٧ / ٣٦؛ کمال الدین ٢ / ٦٧٠ / ب ٥٨ / ١٦

٩. الجامع الكبير ترمذی: ٥ / ١٥٥ / ٣٠٧١؛ ابن ماجة: ٢ / ٥١٩ / ٤٠٦٨؛

تاریخ دمشق: ٥ / ٣٦٥ / ٤ و ١٢٩٣؛ السنن الكبرى بیهقی: ١٣ / ٥٨٢

/ ١٩١٢٨؛ مسند أحمد: ١٠ / ٣٠٩ / ١١٧٧ و ١١٢٠٥؛ ابویعلی:

(١٣٥٣)؛ حلیة الأولیاء: ٨ / ٣٧٧ / ٤٣٧؛ المجمع: ٧ / ٩١ / ١١٠٠٧؛

مسلم: ١ / ١٣٧ / ٢٤٨ (٨ و ١٥٧)؛ المصنّف ابن أبی شیبة: ٨ / ٢٢٩ / ١٣

١٠. بحار الانوار: ٥١ / ٥٣ / ٣٢؛ ینایع المودّة: ٤٨٦ / ب ٧١

١١. ینایع المودّة: ٤٨٦ / ب ٧١، الغیبة طوسی: ١٧٥ / ١٣١، بحار الانوار: ٥١

/۵۳/ب ۵/۳۲ و ص ۶۳/ب ۵/۶۵، و از امام باقر علیه السلام در کمال الدین:

۲/۶۶۸/۵۸/۱۳ قریب به آن

۱۲. ینابیع المودّة: ۴۸۳/باب ۷۱

۱۳. الخصال: ۱/۱۰۸/۷۵؛ بحار الانوار: ۷/۶۱/۱۳ و ج ۱۳/۱۳/۱۹ و

۵۱/۴۵/۲ و ج ۵۳/۶۳/۵۳؛ ینابیع المودّة: ۴۸۱/ب ۷۱

۱۴. روضه کافی: ۸/۲۸۷/۴۳۲؛ بحار الانوار: ۲۴/۳۱۳/ب ۶۷/۱۸ و ۵۱

۶۲/۶۲/

۱۵. الأمالی مفید: ۲۸/۹

۱۶. سنن الكبرى بیهقی: ۱۳/۵۸۱/۱۹۱۲۴ و ح ۱۹۱۲۵ با همین مضمون؛

ینابیع المودّة: ۴۸۰/ب ۷۱، بحار الانوار: ۵۱/۶۱/ب ۵/۵۹

۱۷. سنن ابن ماجه: ۲/۱۳۶۲/۴۰۷۷

پی نوشت های موضوع: امام زمان (عج) موعود انبیاء و امید بشریت

١. صحیح بخاری: ٤ / ٧٢٩ / ٢٠٣٤؛ مسلم: ٣ / ١٤٥٢ / ٢١ و ٢٢ / ١٨٢٠ و ١٩٢٢؛ الجامع الکبیر ترمذی: (٤ / ٨٠ / ٢٣٢٣)؛ مسند أحمد: (١٥ / أحادیث: ٢٠٦٩٣ و ٢٠٧١٠ و ٢٠٧٦٢ و ٢٠٩٣٧)؛ الطیالسی: (١٢٧٨)؛ مسند أبویعلی: ١٣ / ٧٤٦٣ / ٤٥٦؛ سنن أبوداود: ٦٤٦ / ٤٢٧٩ و ٤٢٨٠؛ أسد الغابة: ٢ / ٢١٥ / ١٠٦٩؛ المستدرک: ٤ / ٥٤٦ / ٨٥٢٩؛ صحیح ابن حبان: ١٥ / ٤٤ / ٦٦٦٢؛ السنة ابن أبی عاصم: ٢ / ١١٥٧ / ٧٥٤. المعجم الکبیر: (٢ / ١٧٩١ الی ١٨٠١) و (٢ / ٩ و ١٨٠٨) و (٢ / ١٩٢٣ و ١٨٨٣ و ١٨٧٦ و ١٨٧٥) و (٢ / ٢٠٥٩ الی ٢٠٦٤ و ح ٢٠٦٧ الی ٢٠٧١)؛ دلائل النبوة أبونعیم اصفهانی: ص ٥٥٠ / ح ٦ و ٤٨٥؛ المسند الجامع: ٣ / ٣٨٥ / ٢١١٦؛ سلسلة الأحادیث الصحیحة ألبانی (١٠٧٥)؛ الخصال صدوق: ٢ / ٤٧٠ / أحادیث ١٥ و ١٦ و ١٩ و ٢٠
٢. مسند أحمد: ٤ / ٢٨ / ٣٧٨١ و ٤ / ٦٢ / ٣٨٥٩؛ المجمع: ٥ / ٣٤٤ / ٨٩٦٧؛ مسند أبویعلی: ٨ / ٤٤٤ / ٥٠٣١ و در ٩ / ٢٢٢ / ٥٣٢٢ باختصار؛

المعجم الكبير: ١٥٧ / ١٠ / ١٠٣١٠؛ الخصال صدوق: ٢ / ٤٧٦ / ٣٠ و ٨
 و ٧ و ٦؛ ر.ک: كشف الأستار: ٢ / ٢٣١ / ١٥٨٤ و ١٥٨٦
 ٣. الجامع الكبير ترمذی: ٤ / ٨٥ / ٢٢٣٠؛ أبو داوود (٤٢٦٢)؛ حلیة الأولیاء
 ٥ / ٧٥ / ٢٩١، مسند أحمد: ٣ / ٤٩١ / ٣٥٧١ و ٣٥٧٢ و ٣٥٧٣ و ٤ /
 ١٤٢ / ٤٠٩٨ و ٤ / ٢٠٢ / ٤٢٧٩؛ ابن حبان ١٥ / ٢٣٦ / ٦٨٢٤ و ٦٨٢٥؛
 ر.ک: ح (٦٨٢٦)؛ تاریخ بغداد: ١ / ٣٧ / ٣١٧ و ٤ / ٣٨٨ / ٢٢٧٢؛
 المسند الجامع: ١٢ / ٢٢٥ / ٩٤٣٠؛ المعجم الكبير: «١٠ / ١٠٢٠٨ و
 ١٠٢١٣ و ١٠٢١٤ و ١٠٢١٥ و ١٠٢١٧ و ١٠٢١٨ و ١٠٢٢٠ و ١٠٢٢٩.
 ٤. المستدرک: ٤ / ٤٨٨ / ٨٣٦٤ و ٤ / ٥١١ / ٨٤٣٤؛ ٤ / ٦٠٠ / ٨٦٦٩ و
 در حلیة الأولیاء: ٣ / ١٠١ / ٢١٦؛ با اندکی اختلاف، المعجم الكبير: ١٠ /
 ١٣٣ / ١٠٢١٤ الى ١٠٢٣٠؛ ر.ک: المجمع ٧ / ٦١٧ / ١٢٤١٣؛ میزان
 الاعتدال: ٢ / ٤٢٧ / ٤٣٤٧؛ تاریخ بغداد: ٩ / ٤٧١ / ٥١٠١؛ مسند أحمد
 ١٠ / ٥٨ / ١١٠٧٢ و ١١١٦٦؛ سنن أبوداود ٦٤٦ / ب ١ / ٤٢٨٥؛
 صحیح ترمذی: (٣٢٣٢)؛ سنن ابن ماجه: ٢ / ٩٢٩ / ٢٧٧٩؛ ابن حبان: ١٥
 ٦٨٢٣ / ٢٣٦ /

٥. نهج البلاغه: خ ١٤٤

٦. نهج البلاغه: ح ١٤٧؛ الغيبة طوسی ٢٢١ / ١٨٢، بحار الانوار ٢٣ / ٢٠ /
 ١٧، ٢٣ / ٤٤ / ٩١، ر.ک: علل الشرايع / ١٩٥ ب ١٥٣ / ٢، کافی ١ / ٣٣٥

٣ / تاریخ یعقوبی: ٢ / ٢٠٦؛ کمال الدین ١ / ٢٩٣ / ٢

٧. مسلم: ٣ / ١٤٧٨ / ١٨٥، مسند الطیاسی: ٢٥٩ / ١٩١٣؛ المعجم الكبير:

(١٠٦٨٧/١٠) و ١٩ / ٣٣٤ / ٧٦٩ و ١٩ / ٣٨٨ / ٩١٠؛ کمال

الدین: ٢ / ٦٦٨ / ١١

٨. المعجم الكبير: (١٠ / ١٠١٩ الى ١٠٢٢٥) و (٥ / ١٠٢١٤ و ١٠٢١٣) و

(٥ / ١٠٢٣٠ و ١٠٢١ و ١٠٢٠٨)؛ و در مسند أحمد ١ / ٥٠٠ / ٧٧٣ و ج ٣

/ ٤٩١ - ٣٥٧٣ و ٣٥٧٢ و ٣٥٧١) و ٤ / ٢ / ٤٢٧٩ و ٤ / ١٤٢ /

٤٠٩٨؛ أبوداؤد: ص ٦٤٦ / ٤٢٨٢ و ٤٢٨٣؛ الترمذی: (٢٣٣١)؛ حلیة

الأولیاء: ٥ / ٧٥ / ٢٩١، تاریخ بغداد: ١ / ٣٧٠ / ٣١٧ و ٤ / ٣٨٨ / ٢٢٧٢؛

المستدرک ٤ / ٦٠٠ / ٨٦٦٩؛ المجمع: ٤ / ٥٥٩ / ٨٥٦٨؛ صحیح ابن

حبّان ١٣ / ٢٨٤ / ٥٩٥٤ و ١٥ / ٢٣٦ / ٦٨٢٣؛ مختصر یا نزدیک به آن

ر.ک: مسند البزار: ٢ / ٢٤٣ / ٦٤٤؛ سنن ابن ماجه: ٢ / ١٣٦٧ / ٤٠٨٥

٩. المستدرک ٤ / ٦٠١ / ٨٦٧٢ و ٨٦٧١ و در سنن أبوداؤد: ٦٤٦ / ب

٣٠ / ٤٢٨٤؛ سنن ابن ماجه: ٢ / ١٣٦٨ / ٤٠٨٦؛ میزان الاعتدال:

٢ / ٢٤٩ / ٣٦٢١ و ٣ / ١٦٠ / ٥٩٥٩؛ المعجم الكبير: ٢٣ / ٢٦٧ / ٥٦٦؛

کنز العمال (٣٩٦٧٥ و ٣٨٦٦٢)؛ بحار الانوار: ٥١ / ٧٥ / ٣٠ و ٥١ / ١٠٢ /

٣٩ و ینایع المودّة: ص ٤٦٧ / ب ٦٨؛ و در سنن ابن ماجه: ٢ / ١٣٦٧ /

٤٠٨٥؛ حلیة الأولیاء: ٣ / ١٧٧ / ٢٣٤؛ مسند أحمد ١ / ٤٤٤ / ٦٤٥؛ أبو

- یعلی: ۱ / ۲۵۹ / ۴۶۵؛ کنز العمال (۳۸۶۶۴ / ۱۴)؛ المستدرک: ۴ / ۶۰۰ /
 ۸۶۷۰؛ از رسول الله ﷺ: «المهدی منّا أهل البيت علیهم السلام»
 «حضرت مهدی (عج) از خاندان ماست» آمده است.
۱۰. عقد الدرر ۲۰۸ / ب ۷؛ و در المعجم الكبير: ۹ / ۶۰ / ۸۳۹۲؛ کنز العمال
 (۳۸۶۷۳ / ۱۴)
۱۱. المجمع ۹ / ۲۶۱ / ۱۴۹۶۷؛ بحار الانوار ۵۱ / ۷۶ / ۳۲؛ الغيبة طوسی:
 ۱۹۱ / ۱۵۴ و در میزان الاعتدال ۲ / ۳۸۲ / ۴۱۶۰؛ لسان المیزان: ۳ /
 ۶۸۴ / ۴۴۵۴؛ تاریخ دمشق: ۴۲ / ۱۳۰ / ۸۵۰۱ و أسد الغابة ۴ / ۱۲۰ /
 ۲۷۹۶ با اندکی اختلاف یا مختصر آمده است.
۱۲. بحار الانوار ۵۲ / ۲۶۶ / ۸۹؛ الغيبة نعمانی: ۱۴۶ / ۱۰ / ۴
۱۳. المجمع ۷ / ۶۱۹ / ۱۲۴۱۹؛ المعجم الكبير: ۸ / ۱۰۱ / ۷۴۹۵؛ بحار
 الانوار: ۵۱ / ۸۰ / ۳۷ و ۵۱ / ۶-۹۵ / ب ۱۷؛ و در الغيبة نعمانی: ۲۱۵ /
 ۳ و ۲، میزان الاعتدال: ۳ / ۴۴۹ / ۷۱۱۴؛ کنز العمال (۳۸۶۶۶) باختصار
۱۴. بحار الانوار: ۵۱ / ۳۶ / ۶؛ عن الباقر علیهما السلام و الغيبة للطوسی: ۲۸۱ / ۴۸۷
۱۵. میزان الاعتدال: ۱ / ۶۳ / ۱۹۹ و ۲ / ۶۷۹ / ۵۳۱۶؛ الكامل ابن عدی: ۶ /
 ۵۱۶ / ۱۴۳۵؛ الفقيه و المتفقه بغدادی (۳۷)؛ لسان المیزان: ۱ / ۱۵۴ /
 ۳۱۶؛ بحار الانوار: ۵۱ / ۸۱ / ۳۷ و ص ۸۰ / ۳۷؛ ر.ک: منابع پاورقی (۶۹)
۱۶. بحار الانوار: ۵۱ / ۸۰ / ۹

١٧. کمال الدین ٢ / ٣٧٨ / ب ٣٦ / ٣؛ و در بحار الانوار: ٥١ / ١٥٧ / ٥ و ٥٠

/ ١١٨ / ٢ و ١ از امام الجواد عليه السلام به همین مضمون.

١٨. بحار الانوار: ٥١ / ٢٩ / ٢ و ٥٢ / ٣٥١ / ١٠٣؛ الغيبة نعمانی: ١٢٤ / ١٣

٢٦ /

١٩. الارشاد مفید: ٧٠٤ / ٤٠ / ف ٥ / ٢

٢٠. الغيبة طوسی: ١٦٧ / ١٢٨. ص ٣٣٧ / ٢٨٤؛ بحار الانوار: ٥٢ / ١١٣ / ٢٦

٢١. الغيبة طوسی: ٣٤١ / ٢٩٠؛ بحار الانوار: ٥٢ / ١٠١ / ١

٢٢. کمال الدین: ١ / ٣٠٢ / ٢٦ / ح ٩ و ١٤

٢٣. الغيبة طوسی: ١٦٥ / ١٢٧؛ کافی: ١ / ٣٣٨ / ٧

٢٤. بحار الانوار: ٥١ / ٢٢٤ / ١١؛ کمال الدین: ٢ / ٥٢٤ / ٤

٢٥. بحار الانوار: ٥٢ / ٩١ / ٤؛ کمال الدین: ٢ / ٤٨٢ / ب ٤٤ / ١١؛ علل

الشرايع: ١ / ٢٤٥ / ٨

٢٦. بحار الانوار: ٥٢ / ٣٣٢ / ٥٨ و ٥٢ / ٣٣٨ / ب ٢٧ / ٨٣ و ٥٢ / ٢٤٤ /

ب ٢٥ / ١١٩؛ الارشاد مفید: ب ٤٠ / ف ٧ / ٥؛ الغيبة طوسی: ٤٧٣ /

٤٩٣؛ و الغيبة نعمانی: ٢٧٤ / ب ١٤ / ٥٣ به همین مضمون.

٢٧. الغيبة نعمانی: ٢٧٤ / ١٤ / ٥٣ از امام الصادق عليه السلام

٢٨. الغيبة نعمانی: ١٧١ / ١٠ / ٤؛ کافی: ١ / ٣٤٢ / ٢٧؛ کمال الدین: ٢ / ٤٧٩ /

ب / ٤٤ / ٢

٢٩. بحار الانوار: ٥٢ / ١٥٥ / ١١؛ کافی: ١ / ٣٤٠ / ١٩
٣٠. بحار الانوار: ٥٢ / ٢ / ١٥١ - ٢ / ١٥١ و ٢ / ٢٣ و ٢ / ٢ و ٤ و ١٦؛
کافی: ١ / ٩ - ٣٣٧ / ٦ و ١٢؛ الغيبة نعمانی: ١٧٥ / ب / ١٠ / ١٣ و ١٤ و
١٥ و ١٦؛ طوسی: ١٠٢ / ب / ١٠ / ١٤؛ کمال الدین: ٢ / ٣٤٦ / ٣٣ و ص
٣٥١ / ب / ٣٣ / ح / ٤٩ و ص ٤٤٠ / ب / ٤٣ / ح / ٧؛ وسائل الشیعة: ٨ /
٩٦ / ب / ٤٦ / ٩؛ مستدرک الوسائل: ٨ / ٥٠ / ب / ٣٠ / ح / ٤ و ٥
٣١. بحار الانوار: ٥٢ / ١٥٢ / ٣ از امام رضا علیه السلام
٣٢. کمال الدین: ٢ / ٦٤٤ / ٣؛ کشف الأستار: ٤ / ٣٨ / ٣١٣٨؛ المعجم الكبير
(١٠ / ١٠٠٨٨)؛ الجامع الكبير ترمذی: ٥ / ٥٣٢ / ٣٥٧١؛ المجمع (١٠ /
١٢٧٠٢ و ١٧٢٠٢)؛ میزان الاعتدال: ٢ / ٢١٠ / ٣٤٧٢؛ تاریخ بغداد: ٢ /
١٥٤ / ٥٧٧؛ مسند القضاعی: ٢ / ٢٤٥ / ٧٥٧ و جمله میان دو پراکنش در
الخصال ٢ / ٦٢٥ / ١٠؛ کمال الدین ٢ / ٦٤٥ / ٦؛ تحف العقول؛ ١١٥
٣٣. کمال الدین: ٢ / ٣٦١ / ب / ٣٤ / ٥؛ بحار الانوار: ٥١ / ١٥١ / ب / ٧ / ٦
٣٤. بحار الانوار: ٥٢ / ٩٣ / ٨؛ کمال الدین: ١ / ٢٥٣ / ٣؛ ینابیع المودّة: ص
٤٨٠ / جزء ٣ / ب / ٧١ و ٥٥٤ / جزء ٣ / ب / ٩٤
٣٥. المستدرک: ٤ / ٥٠٣ / ٨٤٠٧؛ ر.ک: ح / ٤ / ٥٠٢ / ٨٤٠٤
٣٦. بحار الانوار: ٥٢ / ٢١١ / ب / ٢٥ / ٥٨؛ ر.ک: ٥٢ / ١١٤ / ب / ٢١ /
احادیث ١٧ و ٢٧ و ٣٣ و ٣٧ و ٥٢ / ١٣٤ / ب / ٢٢ / ٣٨؛ و ٥٢ /

امام زمان (عج): موعود پیامبران و امید بشریت

٢٠٥/٩؛ الغيبة نعمانی: ١٥٩/ب / ١٠ / ٧ و ص ٢٠٥ / ب ١٢ / ح ١٠ و ٩
 از امام حسین علیه السلام و ص ٢٠٩ / ب ١٢ / ١٧؛ الطوسی ٤٣٧ / ح ٤٢٩؛ و ص
 ٣٤١ / ٢٩١ عقد الدرر ٦٣ / ب ٤ / ١؛ و ص ٩٦ / ب ٤ / ف ١ کافی: ١ /
 ٣٤٠ / ١٧؛

٣٧. کمال الدین ٢ / ٥٢٥ / ١ و در ١ / ٢٥١ / ١ به همین مضمون. بحار
 الانوار: ٥٢ / ١٩٢ / ب ٢٥ / ٢٦

٣٨. کمال الدین: ٢ / ٦٤٩ / ب ٥٧ / ٣؛ بحار الانوار: ٥٢ / ٢٠٢ / ب ٢٥ / ٢٨
 و ٥٢ / ٩ - ٢٢٨ / ب ٢٥ / ٩٣؛ الارشاد ٤٠٨ / ٤٠ / ٢٢؛ الغيبة نعمانی:
 ٢٥٠ / ب ١٤ / ٥؛ ينابيع المودة: ٤٧٨ / ب ٧١

٣٩. الغيبة نعمانی: ٢٦٧ / ب ١٤ / ٣٧؛ عقد الدرر: ١٤٥ / ٤ / ف ٣
 ٤٠. کمال الدین: ٢ / ٦٥٥ / ب ٥٧ / ٢٧؛ الغيبة نعمانی: ٢٧٧ / ب ١٤ / ٦١؛
 عقد الدرر: ٩٨ / ب ٤ / ف ١؛ بحار الانوار: ٥٢ / ٢٠٧ / ٤٢

٤١. الغيبة نعمانی: ٢٥٧ / ب ١٤ / ١٥

٤٢. بحار الانوار: ٥٢ / ٢٨٥ / ١٥

٤٣. الغيبة طوسی: ٤٥٤ / ٤٦٢؛ بحار الانوار: ٥٢ / ٢٩٠ / ٣١ و ٣٢؛ عقد
 الدرر: ١٨٥ / ب ٦

٤٤. الغيبة طوسی: ٢٦٦ / ٤٦١؛ بحار الانوار: ٥٢ / ٢٠٦ / ب ٢٥ / ٤٠ / ٥٢

٢٨٨ / ب ٢٦ / ٢٧ و ٥٢ / ٢٩٠ / ب ٢٦ / ٣٢ و ٣١ و ٥٢ / ٣٠٥ / ب

۷۵ / ۲۶؛ ارشاد: ۳۵۸ و کمال الدین: ۲ / ۶۵۲ / ۱۴

۴۵. کمال الدین: ۲ / ۶۵۱ / ۹ و ۱۰؛ بحار الانوار: ۵۲ / ۲۰۵ / ب / ۲۴ / ۳۶ و

۳۷

۴۶. الغيبة نعمانی: ۳۰۶ / ب / ۱۹ / ۱۸ عن الباقر علیه السلام

۴۷. بحار الانوار: ۵۲ / ۲۱۶ / ۷۵؛ الغيبة طوسی: ۴۶۳ / ۴۷۸

۴۸. کمال الدین: ۲ / ۶۵۱ / ب / ۵۷ / ۱۳؛ الغيبة نعمانی: ۳۰۴ / ب / ۱۸ / ۱۳؛

طوسی: ۴۴۹ / ۴۵۲ عقد الدرر: ۱۲۳ / ب / ۴ / ف / ۲ به همین مضمون

۴۹. کمال الدین: ۲ / ۶۵۰ / ب / ۵۷ / ۶؛ الغيبة نعمانی: ۲۹۹ / ب / ۱۸ / ۲

۵۰. عقد الدرر: ۱۲۳ / ب / ۴ / ف / ۲؛ الغيبة نعمانی: ۲۶۷ / ۱۴ / ۳۶

۵۱. الغيبة نعمانی: ۳۰۶ / ۱۹ / ۱۸؛ کمال الدین: ۲ / ۶۵۱ / ۱۰؛ بحار الانوار:

۱۴۶ / ۲۵۳ / ۵۲

۵۲. الغيبة نعمانی: ۲۸۰ / ب / ۱۴ / ۶۷؛ و در سنن ابن ماجه: ۲ / ۵۱۸ /

۴۰۶۴؛ نزدیک به همین مضمون

۵۳. کمال الدین: ۲ / ۶۵۰ / ب / ۵۷ / ۶؛ بحار الانوار: ۵۲ / ۲۰۴ / ب / ۲۵ / ۳۳

۵۴. کمال الدین: ۲ / ۶۵۲ / ب / ۵۷ / ۱۴ و ۱۳؛ الغيبة طوسی: ۴۳۵ / ف / ۷ /

۴۲۵ و ۴۶۱؛ بحار الانوار: ۵۲ / ۳۲۲ / ۳۱

۵۵. کمال الدین: ۲ / ۶۵۰ / ب / ۵۷ / ۸؛ بحار الانوار: ۵۲ / ۲۰۵ / ۳۵؛ الغيبة

نعمانی: ۲۷۴ / ب / ۱۴ / ۵۴ به همین مضمون است.

٥٦. الغيبة طوسی: ٤٤٦ / ٤٤٣؛ بحار الانوار: ٥٢ / ٢١٠ / ٥٢؛ الارشاد: ٣٦٠

ب / ١٤ / ٤٠

٥٧. الغيبة طوسی: ٤٦٦ / ٤٨٢؛ بحار الانوار: ٥٢ / ٢١٧ / ٧٩؛ عقد الدرر:

١٠٦ / ب / ٤ / ف / ٣؛ رک: سنن ابن ماجه / ٢ / ١٣٥٣ / ب / ٣٢ / ٤٠٦٩

٥٨. عقد الدرر: ٩٩؛ ب / ٤ / ف / ١؛ الارشاد: ٢ / ٣٧٤؛ الغيبة نعمانی: ٢٧١ / ب

١٤ / ٤٥؛ الغيبة طوسی: ٤٤٥ / ٤٣٩؛ بحار الانوار: ٥٢ / ٢١٣ / ٦٧

٥٩. کمال الدین: ٢ / ٦٥٥ / ٢٥

٦٠. کمال الدین: ١ / ٣٣١ / ١٦

٦١. الغيبة طوسی: ٤٦٤ / ٤٨٠؛ بحار الانوار: ٥٢ / ٢١٧ / ٧٨؛ رک:

المصنّف ابن أبي شيبه: ٨ / ٦٧٩ / ١٩٩ کتاب الفتن

٦٢. کمال الدین: ١ / ٣٣١ / ١٦

٦٣. کمال الدین: ٢ / ٦٤٩ / ٥٧ / ٢؛ بحار الانوار: ٥٢ / ٢٠٣ / ٣٠؛ الغيبة

طوسی: ٤٤٥ / ٤٤٠؛ و نعمانی: ٢٥٢ / ٩؛ الخصال: ١ / ٣٠٣ / ٨٢؛

الارشاد: ٢ / ٣٧٤ از امام باقر عليه السلام

٦٤. بحار الانوار ٥٢ / ١١٨ / ٤٤؛ الغيبة نعمانی: ٢٨٩ / ب / ١٦ / ٣ و ٤ و ٥؛

کافی: ١ / ٣٦١ / ح ١ الى ٥

٦٥. الغيبة نعمانی: ص ٢٨٩ / ب / ١٦ / ٣ و ٤ رک: به أحاديث ١٢ و ١٣؛

بحار الانوار: ٥٢ / ١١٧ / ب / ٢١ / أحاديث ٤١ و ٤٤ و ٤٧، ٥٢ / ٤ -

- ١٠٣/ب/٢١/ح ٦ و ٥٢، ٨ / ٣٦٠ / ب / ٢٧ / ١٢٩؛ کافی: ١ / ٣٤٨ / ٦
٦٦. الارشاد مفید: ٢ / ٣٧٩ / ف / ١ / ١؛ بحار الانوار: ٥٢ / ٢٩١ / ٣٦؛ ر.ک:
- مسند أحمد ١٠ / ٧١ / ١١١٠٦؛ الترمذی: ٤ / ٨٦ / ٢٢٣٢؛ المستدرک: ٤
- / ٦٠١ / ٨٦٧٥؛ سنن ابن ماجه: ٢ / ١٣٦٦ / ٤٠٨٣؛ ابویعلی (٩٨٧)؛
- الکامل ابن عدی (٣ / ١٠٥٧)؛ المسند الجامع: ٦ / ٥١٩ / ٤٧١٣
٦٧. بحار الانوار: ٥٢ / ٢٨٥ / ١٧ / ص ٢٩٠ / ٢٩ / ص ٢٩٧ / ٥٦
- کمال الدین: ٢ / ٦٥٤ / ب / ٥٧ / ١٩ الغیة طوسی ٤٥٢ / ٤٥٨
٦٨. کمال الدین: ١ / ٣٣١ / ب / ٣٢ / ١٦
٦٩. بحار الانوار: ٣٦ / ٣٣٣ / ب / ٤١ / ١٩٥، ج ٥١ / ٨١ / ١٧، ١٦، ج ٥١ /
- ٩٥ / ب / ١٦ و ١٥ و ج ٥٢ / ٣٧٨ / ١٨٣ و ١٨٩؛ میزان الاعتدال: ١ / ٦٣ /
- ١٩٩ و ٢ / ٦٧٩ / ٥٣١٦؛ لسان المیزان: ١ / ١٥٤ / ٣١٦ و الکامل ابن
- عدی: ٦ / ٥١٦ / ١٤٣٥؛ الفقیه و المتفقہ بغدادی (٣٧) ینابیع المودّة ٥٥١
- / جزء ٣ / ب / ٩٤، عقد الدرر ١٨٣ / ب / ٦
٧٠. عقد الدرر: ١٨٣ / ب / ٦ و ص ٩٨ / ب / ٤
٧١. بحار الانوار: ٥٢ / ٣٣٤ / ٦٤ و ٦٥، ج ٥٢ / ٣٧٠ / ب / ٢٧ / ١٥٨ و
- ١٥٧؛ المعجم الكبير: ٢٣ / ٣٨٩ / ٩٣١ و ٩٣٠؛ المستدرک: ٤ / ٤٧٨
- / ٨٣٢٨؛ أبو داوود (٤٢٨٦)؛ الغیة نعمانی: ٢٨١ / ب / ١٣ / ح ٦٧ و ص
- ٣١٥ / ب / ٢٠ / ح ٨ و ٩ و طوسی: ٤٧٦ / ٥٠٢ و ٥٠٣؛ ر.ک: المجمع: ٣ /

٦٤٢ / ٥٧٧٥؛ المصنّف ابن أبي شيبة: ٨ / ٦٠٩ / ١١٥ باختصار

٧٢. كمال الدين: ١ / ٣٣٣ / ١٦؛ نعماني: ٣٠٧ / ب / ١٩ / ٢؛ بحار الانوار: ٥٢ /

ب ١٥٢ / ٢٧

٧٣. المستدرک: ٤ / ٥١١ / ٨٤٣٤؛ المصنّف ابن أبي شيبة: ٨ / ٦٩٧ / ٧٤؛

سنن ابن ماجه: ٢ / ١٣٦٦ / ٤٠٨٢؛ ميزان الاعتدال: ٢ / ٤١٦ / ٤٢٩٥ و ٤

/ ٤٢٣ / ٩٦٩٥؛ المسند الجامع: ١٢ / ٢٢٤ - ٢٢٥ / ٩٤٢٩؛ تحفة

الأشراف: ٧ / ١١٢ / ٩٤٦٢؛ كنز العمال (٣٨٦٧٧)؛ عقد الدرر: ١٢٣ و

١٢٤ / ب ٥؛ المعجم الكبير: (١٠٠٣١ / ١٠ و ١٠٠٤٣)؛ الأوسط ٦ / ٣٢٧ /

٥٦٩٥؛ و در السنة ابن أبي عاصم: ٢ / ٩٩٤ / ١٥٤٢؛ مختصر؛ بحار الانوار:

٥١ / ٨٢ / ب ٢٧ و ص ٨٧ / ب ٥؛ مقدّمة ابن خلدون: ص ٣١٧ / ف ٥٢ و

البدایه والنهايه ١ / ٤١

٧٤. سنن ابن ماجه: ٢ / ١٣٦٨ / ٤٠٨٨؛ المعجم الأوسط: ١ / ٩٤ / ٢٨٥؛

المجمع: ٧ / ٦١٧ / ١٢٤١٤؛ بحار الانوار: ٥١ / ٨٧ / ب ٤؛ عقد

الدرر: ١٦٧ / ب ٥؛ مقدّمة ابن خلدون: ٣٢١ / ف ٥٢

٧٥. المستدرک: ٤ / ٥١٠ / ٨٤٣٢ و ص ٥٤٧ / ٨٥٣١؛ سنن ابن ماجه: ٢ /

١٣٦٧ / ٤٠٨٤؛ مسند أحمد: ١٥ / ٢٩٢ / ٢٢٢٨٧؛ ميزان الاعتدال: ٣ /

١٢٨ / ٥٨٤٤؛ عقد الدرر: ١٦٨ / ب ٥؛ رك: الجامع الكبير ترمذی:

٤ / ١١٥ / ٢٢٦٩؛ مقدّمة ابن خلدون: ٣٢٠ / ف ٥٢

٧٦. مسلم ١ / ١٣٧ / ٢٤٧ (١٥٦)؛ تاریخ دمشق: ٤٧ / ٥٠١ / ١٠٣٢٠ و
 ١٠٣٢١ و در مسند أحمد: ١١ / ٥٢٤ / ١٤٦٥٥ و ١٢ / ٧٩ / ١٥٠٦٥؛
 السنن الكبرى بیهقی: ١٣ / ٥٨٢ / ١٩١٢٧؛ صحیح ابن حبان: ١٥ / ٢٣١ /
 ٦٨١٩؛ بحار الانوار: ٥١ / ٨٥-٨٨ / ٣٧؛ و در المعجم الكبير: ٩ / ٦٠ /
 ٨٣٩٢ والمجمع: ٧ / ٦١٧ / ١٢٤١٣ با اندکی اختلاف آمده است.

٧٧. مسلم: ١ / ١٣٦ / ٢٤٥ و ٢٤٤؛ بخاری: ٢ / ٦٣٣ / ١٦٠١؛ مسند أحمد: ٨
 / ٣١٢ / ٨٤١٢ و ٧ / ٣٩٧ / ٧٦٦٦؛ الطبقات الكبرى: ٥ / ٢٢٣؛ تاریخ
 دمشق: ٤٧ / ٥٠٠ / ١٠٣١٧ و ١٠٣١٨

٧٨. بحار الانوار: ٥٢ / ٣٠٥ / ٧٦ و ٥٢ / ٣٢٤ / ٣٥؛ کمال الدین: ٢ / ٦٥٤٢ / ب
 ٢٢ / ٥٧

٧٩. الغيبة نعمانی: ٢٤٤ / ب / ١٣ / ح / ٤٥؛ بحار الانوار: ٥٢ / ٣٥٦ / ب
 ١٢١ / ٢٧

٨٠. بحار الانوار: ٥٢ / ٢٢٣ / ٨٧ و ٥٢ / ٣٣٧ / ٧٨؛ الغيبة طوسی:
 ١٥٠؛ ر.ک: المجمع: ٧ / ٦١٢ / ١٢٣٩٨

٨١. المستدرک: ٤ / ٤٧٨ / ٨٣٢٨؛ مسند أحمد: ١٨ / ٢٩٩ / ٢٦٥٦٨؛ سنن
 أبی داوود: ٦٤٨ / ک / ٣٠ / ب / ١ / ٤٢٨٦؛ المعجم الكبير: ٢٣ / ٣٩٠ /
 ٩٣١ و ٩٣٠؛ الأوسط: ٢ / ٨٩ / ١١٧٥ و ١٠ / ٢٠٩ / ٩٤٥٥؛ المصنّف
 لعبد الرزاق: ١١ / ٣٧١ / ٢٠٧٦٩؛ المجمع: ٧ / ٣-٢١٢ / أحادیث ٩ و ٨

و ۱۲۳۹۷؛ ومقدمه ابن خلدون: ص ۳۱۴/ ف ۵۲؛ صحیح ابن حبان: ۱۵ /

۱۵۸ / ۶۷۵۷؛ بحار الانوار: ۵۲ / ۳۳۴ / ۶۴

۸۲. تاریخ دمشق: ۱ / ۲۹۷ از علی علیه السلام و در بحار الانوار: ۵۱ / ۵۵ / ۴۲

عن الصادق علیه السلام و ۵۲ / ۲۸۸ / ۲۶ و ۵۲ / ۲۴۷ / ۱۲۸ و ۵۲ / ۳۳۴ / ۶۵ و

۵۲ / ۳۶۸ / ۱۵۲ و ۱۵۳؛ ینابیع المودّه: ۴۸۱ / ب ۷۱؛ الغیبة نعمانی: ۳۱۲

/ ب ۲۰ / ۲ و ۳ و ص ۲ - ۲۸۱ / ح ۶۷؛ مقدّمه ابن خلدون ص ۳۱۹ / ف

۵۲

۸۳. المستدرک: ۴ / ۵۹۷ / ۸۶۵۹؛ عقد الدرر: ۹۱ / ب ۴ / ف ۱ و ۱۷۵ / ب

۵ / ف ۱؛ ک: کمال الدین: ۲ / ۶۷۲ / ۲۵؛ ینابیع المودّه: ۴۷۸ / ب ۷۱ و

الغیبة نعمانی: ۳۱۵ / ب ۲۰ / ۹؛ بحار الانوار: ۵۲ / ۳۷۰ - ۳۶۹ / ۱۵۸ و

۱۵۷ و ۵۲ / ۳۲۳ / ۳۳ و ۳۴؛ مقدّمه ابن خلدون: ۳۱۹ / ف ۵۲

۸۴. الغیبة نعمانی: ۲۴۴ / ۱۳ / ۴۵ عن الصادق علیه السلام؛ بحار الانوار: ۵۲ / ۳۲۷ / ۴۴

۸۵. عقد الدرر: ۱۹۶ / ب ۷ از امام باقر علیه السلام؛ بحار الانوار: ۵۲ / ۳۰۸ / ۸۲

۸۶. بحار الانوار: ۵۲ / ۳۲۷ / ۴۴؛ کمال الدین: ۲ / ۶۷۳ / ۲۶ از امام

باقر علیه السلام؛ ینابیع المودّه: ۴۸۱ / ب ۷۱

۸۷. بحار الانوار: ۵۲ / ۳۱۶ / ۱۲ و ۵۲ / ۳۶۴ / ۱۳۸ و ۵۲ / ۳۷۲ /

۱۶۴؛ الغیبة نعمانی: ۳۱۷ / ب ۲۱ / ۲

۸۸. الخصال: ۲ / ۵۴۱ / ۱۴؛ ینابیع المودّه: ۴۸۱ / ب ۷۱؛ بحار الانوار:

۶۹ / ۳۳۵ / ۵۲

٨٩. بحار الانوار: ٥٢ / ٣٠٨ / ٨٢ و ج ٤٤ / ٢٨٥ / ٢٣؛ عیون أخبار

الرضا: ٥٨/٢٨/٢٣٣/١

٩٠. بحار الانوار: ٥٢ / ٣٢٧ / ٤٤؛ کمال الدین: ٢ / ٦٧٣ / ٢٦؛ ینایع

المودّة: ٧١/٤٨١/ب

٩١. بحار الانوار: ٥٢ / ٣٢٣ / ٣٣ و ٥٢ / ٢٨٣ / ١٠ و ٥٢ / ٣٦٧ / ١٥٢

٩٢. کمال الدین: ٢ / ٦٥٢ / ٢٠؛ ر.ک: بحار الانوار: ٥٢ / ٢٨٣ / ١٠ و ٥٢ / ٨

٧٨ / ٣٣٧-

٩٣. کمال الدین: ١ / ٣٣١ / ١٦؛ الارشاد ٣٤٣؛ بحار الانوار: ٥٢ / ١٩٢ / ٢٤

٩٤. بحار الانوار: ٥٢ / ٣٠٤ / ٧٣ و ص ٣٣٤ / ٦٤؛ كشف الغمّة ٣ / ٢٦٩

و در المستدرک: ٤ / ٤٧٨ / ٨٣٢٨؛ مسند أحمد: ١٨ / ٢٩٨ / ٢٦٥٦٨؛

أبوداوود (٤٢٨٦)؛ المعجم الكبير: ٢٣ / ٣٨٩ / ٩٣١ و ٩٣٠ و ١١ / ٣٧١

/ ٢٠٧٦٩؛ الأوسط: ٢ / ٩٠ / ١١٧٥؛ ابن حبان: ١٥ / ١٥٨ / ٦٧٥٧

المجمع: ٧ / ٣ - ٦١٢ / ١٢٣٩٧ و ١٢٣٩٩ با همین مضمون آمده است.

٩٥. عقد الدرر: ١٦٤ ف ٤ / ب ٥؛ الفتوح لابن أعثم ٢ / ٣٠٢؛ ینایع المودّة:

٥٠٧ / ب ٧٨ و ب ٩٤؛ بحار الانوار: ٥١ / ١٨٧ / ب ١ و ٦٠ / ٢٢٩ / ب

٣٦ / ٥٦؛ كنز العمال (١٤ / ٣٩٦٧٧)

٩٦. الغيبة نعمانی: ٢٩٧ / ب ١٧ / ١؛ بحار الانوار: ٥٢ / ٣ / ٣٦٢ / ب ٢٧ /

١٣٢ و ١٣٣ / ١؛ در بارة این موضوع ر.ک: المستدرک ١ / ٦٦٤ / ١٧٩٧ و



امام زمان (عج)؛ موعود پیامبران و امید بشریت

۳ / ۱۶۹ / ۴۷۳۷ و ۴ / ۴۷۷ / ۶ و ۸۳۲۴؛ دو حدیث؛ المجمع: ۶ / ۹۸۰۷

و ۹۸۰۸ ج ۸ / ۴۶۹ / ۵ و ۱۳۹۶۴ دو حدیث؛ المعجم الكبير: ۲ / ۵۸ /

۱۲۸۰ و ۲۰ / ۲۵۴ / ۶۰۱؛ السنن الكبرى بیهقی ۱۳ / ۵۸۳ / ۳۱ و

۱۹۱۳۰؛ ابن حبان: ۱۵ / ۹۳ / ۶۷۰۱ مسند احمد ۱۳ / ۲۱۱ / ۱۶۸۹۴ و

۱۷ / ۱۳۵ / ۲۳۷۰۴

۹۷. الغيبة نعمانی: ۲۹۷ / ب / ۱۷ / ۳؛ بحار الانوار: ۵۲ / ۳ / ۳۶۲ - ۱۳۳ / وح

۱۳۲

۹۸. بحار الانوار: ۵۲ / ۳۶۳ / ۱۳۶ و ۱۳۴ دو حدیث

۹۹. الغيبة نعمانی: ۲۹۸ / ف / ۱۷ / ح / ۵ و ۴؛ بحار الانوار: ۵۲ / ۳۶۳ / ب / ۲۷ /

۱۳۴ و ۱۳۵

۱۰۰. الكافي: ۱ / ۴۱۱ / ۴

۱۰۱. الغيبة نعمانی: ۲۳۳ / ب / ۱۳ / ۲۰ و ص ۲۸۵ / ب / ۱۵ / ۵؛ بحار الانوار:

۵۲ / ۳۵۴ / ۶ - ۱۱۵ و ص ۳۵۸ / ب / ۱۷ / ۲۶ از امام رضا عليه السلام

۱۰۲. الخصال: ۱ / ۲۰۰ / ۱۲؛ بحار الانوار: ۲۵ / ۱۳۸ / ۹

۱۰۳. الغيبة نعمانی: ص ۲۴۲ / ب / ۱۳ / ۴۰؛ عقد الدرر: ۶۹ / ب / ۳ / ف / ۱ و

ص ۱۶۹ / ب / ۷ / ف / ۱

۱۰۴. الارشاد: ۳۶۳؛ سفينة البحار ۲ / ۷۰۵؛ دربارة سیرتش ر.ک به المجمع:

۷ / ۶۱۷ / ۱۲۴۱۲؛ المعجم الأوسط: ۲ / ۴۷ / ۱۰۷۹

۱۰۵. کمال الدین: ۱ / ۳۲۲ / ب ۳۱ / ۳؛ بحار الانوار: ۵۱ / ۲۱۷ / ۴
۱۰۶. الغيبة نعمانی: ۲۳۱ / ب ۱۳ / ح ۱۳ و ۱۷؛ عقد الدرر: ۲۲۷ / ب ۹ / ف ۳؛ بحار الانوار: ۵۲ / ۳۵۲ / ۱۰۸ و ۵۲ / ۳۵۴ / ۱۱۲
۱۰۷. بحار الانوار: ۵۲ / ۳۸۱ / ۱۹۲
۱۰۸. الارشاد: ۷۰۴ / ۵ / ۲۰۶؛ بحار الانوار: ۵۲ / ۳۳۸ / ب ۲۷ / ۸۲ و ۵۲ / ۳۵۲ / ۱۰۸؛ الغيبة للنعمانی: ۲۳۰ / ب ۱۳ / ۱۳ و ۳۲۱ / ب ۲۲ / ۲ و ۵ به همین مضمون
۱۰۹. بحار الانوار: ۵۱ / ۳۰ / ۷ و ۵۲ / ۳۶۶ / ۱۴۷؛ ر.ک: الغيبة نعمانی: ۳۲۰ / ب ۲۲ / ۱ و ۲ و ۴ و ۵
۱۱۰. ینابیع المودّة: ۴۶۷ / ب ۶۸؛ ر.ک: کمال الدین: ۲ / ۳۵۰ / ب ۳۳ / ۴۶؛ بحار الانوار: ۵۱ / ۴ - ۲۲۳ / ب ۱۳ / ۱۰
۱۱۱. الارشاد: ۷۰۶ / ب ۴۰ / ف ۵ / ۸، عقد الدرر: ۳۰۵ / ب ۱۱؛ وسائل الشیعة: ۱۷ / ۳۴۷ / ب ۲۰ / ۱؛ تفسیر الصّافی؛ ۳ / ۳۸۴؛ بحار الانوار: ۵۲ / ۳۳۹ / ۸۴ و ۵۵ / ۹۲ / ۱۱
۱۱۲. ینابیع المودّة: ۴۳۳ / ب ۷۳؛ الصّواعق: ۱۶۴ / ۱۱ / ۱
۱۱۳. بحار الانوار: ۵۲ / ۳۴۰ / ۸۹؛ ینابیع المودّة: ۴۸۰ / ب ۷۱
۱۱۴. بحار الانوار: ۵۲ / ۳۳۸ / ب ۲۷ / ۸۳؛ الارشاد مفید: ۲ / ۳۸۴
۱۱۵. بحار الانوار: ۴۴ / ۲۰ / ۴ از علی علیه السلام

١١٦. بحار الانوار: ٥٢ / ٣٣٩ / ٨٥؛ الارشاد للمفيد: ٢ / ٣٦٥
١١٧. نهج البلاغه: خ ١٣٨
١١٨. کمال الدین: ٢ / ٦٧٥ / ب / ٥٨ / ٣٠؛ کافی: ١ / ٢٥ / ٢١؛ بحار الانوار: ٥٢ / ٣٢٨ / ب / ٢٧ / ٤٧ و ٥٢ / ٣٣٦ / ب / ٢٧ / ٧١
١١٩. بحار الانوار: ٥٢ / ٣٢٨ / ح / ٤٧ و ٧١
١٢٠. کمال الدین: ٢ / ٦٥٣ / ١٧
١٢١. بحار الانوار: ٥١ / ٢٩ / ب / ٢ / ٢ و ٥٢ / ٣٩٠ / ب / ٢٧ / ٢١٢ و ٥٢ / ٣٥٠ / ب / ٢٧ / ١٠٣؛ الغيبة نعمانی: ٣٣٧ / ب / ١٣ / ٢٦؛ علل الشرايع: ١٦١ / ب / ١٢٩ / ٣؛ عقد الدرر: ٣٩ / ب / ٣
١٢٢. بحار الانوار: ٥٢ / ٣٣٦ / ٧٣
١٢٣. فروع کافی: ٤ / ٤٢٧ / ١؛ بحار الانوار: ٥٢ / ٣٧٤ / ب / ٢٧ / ١٦٩؛ وسائل الشيعة: ٩ / ٤١٢ / ب / ١٧ / ١
١٢٤. عقد الدرر: ٢٠٧ / ب / ٩ / ٣؛ و کتاب الفتن ابن حمّاد: ص ٢١٢ و ٢٢٢؛ بحار الانوار: ٥٢ / ٩٠ / ب / ٢٦ / ٢٣٣ / ٣٣
١٢٥. کافی: ١ / ٣٩٧ / ٢ از امام صادق عليه السلام؛ ر.ک: وسائل الشيعة: ١٨ / ١٦٨ / ب / ١ / ٥؛ بحار الانوار: ٥٢ / ب / ٢٧ / ٣٢٠ / ٢٢؛ مستدرک الوسائل: ١٧ / ٣٦٤ / ب / ١ / ٤
١٢٦. مسلم ٢ / ٧٠١ / ٦٠ (١٥٧)

۱۲۷/ مسلم: ۴ / ۲۲۳۵ / ۱۴ (۲۹۱۳)

۱۲۸. بحار الانوار: ۵۱ / ۷۸ / ۳۷؛ و در سنن ابن ماجه: ۲ / ۵۳۰ / ۴۰۸۳ و

مسند أحمد: ۱۰ / ۷۱ / ۱۱۱۰۶؛ الجامع الكبير ترمذی: ۴ / ۸۶ / ب ۵۳

/ ۲۲۳۲؛ أبویعلی (۹۸۷)؛ تحفة الأشراف ۳ / ۳۳۵ / ۳۹۷۶؛ المسند

الجامع: ۶ / ۵۱۹ / ۴۷۱۳؛ صحیح الترمذی ألبانی (۱۸۲۰) قریب به

همین مضمون است

۱۲۹. الغیبة نعمانی: ۳۱۸ / ب ۲۱ / ۷؛ بحار الانوار: ۵۲ / ب ۲۷ / ۱۴۳ / ۳۶۵

۱۳۰. بحار الانوار: ۵۲ / ۳۲۱ / ۲۹ و ۵۲ / ۵ / ۱۹۲ - ۵ / ب ۲۵ / ۲۶؛ کمال الدین:

۲ / ۳۷۱ / ب ۳۵ / ۵؛ ینایع المودّة: ۵۴۹ / ب ۹۴

۱۳۱. بحار الانوار: ۵۱ / ۲۹ / ۲ از امام باقر علیه السلام؛ الغیبة نعمانی: ۲۳۷ / ب ۱۳ /

۲۶؛ علل الشرایع: ۱۶۱ / ب ۱۲۹ / ۳

۱۳۲. وسائل الشیعة: ۱۹ / ۱۸ / ۳ (۳۵۵۲۰)؛ التهذیب: ۱۰ / ۳۱۴ / ب ۲۸ /

۱۱۶۹

۱۳۳. مسند أحمد: ۱۰ / ۱۱۹ / ۱۱۲۶۵ و ۱۰ / ۱۶۲ / ۱۱۴۲۲؛ المجمع ۷ /

۶۱۰ / ۱۲۳۹۳؛ ر.ک: مسلم: ۴ / ۲۲۳۵ / ۲۹۱۴؛ مسند احمد ۱۰ / ۱۵ /

۱۰۹۵۴؛ ۱۰ / ۷۱ / ۱۱۱۰۶ الترمذی: (۲۲۳۲)؛ المستدرک: ۴ / ۶۰۱ /

۸۶۷۵؛ سنن ابن ماجه: ۲ / ۱۳۶۶ / ۴۰۸۳؛ أبویعلی (۹۸۷)؛ المسند

الجامع: ۶ / ۵۱۹ / ۴۷۱۳؛ الكامل لابن عدی: ۳ / ۱۰۵۷؛ التاريخ الكبير:

۳۱۴۹ / ۵۱۰ / ۶

١٣٤. بصائر الدرجات: ٢٥٨ / ب ١ / ١٥؛ کافی: ٢ / ٣٩٧ / ١؛ بحار الانوار: ٥٢

/ ٣٢٠ / ٢١ و ٢٢ و ٢٤؛ الخصال: ٢ / ٦٤٩ / ٤٣؛ مستدرک الوسائل: ١٧ /

٣٦٤ / ب ١ / ٤

١٣٥. الخصال: ١ / ١٦٩ / ٢٢٣؛ بحار الانوار: ٥٢ / ٣٠٩ / ٢

١٣٦. بحار الانوار: ٥١ / ١٢٠ / ٢٣

١٣٧. الغيبة نعمانی: ٢٣٨ / ب ١٣ / ٣٠؛ بحار الانوار: ٥٢ / ٣٥٢ / ١٠٦

١٣٨. الغيبة نعمانی: ٢٣٧ / ب ١٣ / ٢٦؛ بحار الانوار: ٥١ / ٢٩ / ٢ و

٥٢ / ٣٥٠ / ب ٢٧ / ١٠٣؛ علل الشرايع: ١٦١ / ب ١٢٩ / ٣؛ عقد الدرر:

٣٩ / ب ٣؛ ينابيع المودة: ٤٧٨ / ب ٧١

١٣٩. بحار الانوار: ٥٢ / ٣٤٠ / ٩٠ از امام رضا عليه السلام

١٤٠. المجمع ٧ / ٦١٦ / ١٢٤٠٩؛ عقد الدرر: ١٩٢ / ب ٧

١٤١. المستدرک: ٤ / ٦٠١ / ٨٦٧٣

١٤٢. بحار الانوار: ٥١ / ٧٤ / ب ١ / ٢٤ و ص ٩٢ / ح ١٠ به همین

مضمون؛ الغيبة طوسی: ١٧٩ / ح ١٣٧؛ رک: کنز العمال: (٣٨٦٥٣ / ١٤)

والمسند الجامع: ٦ / ٥٢٠ / ٤٧١٤

١٤٣. الغيبة طوسی: ١٨٥ / ح ١٤٤

١٤٤. حلیة الأولیاء: ٣ / ١٨٤ / ٢٣٥؛ بحار الانوار: ٥٢ / ٣٧٢ / ١٦٤ رک: ٥٢ /

٣١٨ / ب ٢٧ / ١٧؛ ينابيع المودة: ٥٠٧ / ب ٧٨

١٤٥. الخصال: ٢ / ٦٢٦ / ٤٠٠؛ بحار الانوار: ٥٢ / ٣١٦ / ب / ٢٧ / ١١؛ تحف

العقول ٨٢

١٤٦. المستدرک: ٤ / ٥٥٩ / ٨٥٦٨

١٤٧. کمال الدین: ٢ / ٦٧٣ / ب / ٥٨ / ٢٥؛ بحار الانوار: ٥٢ / ٣٢٧ / ب / ٢٧ /

ح ٤٣

١٤٨. بحار الانوار: ٥٢ / ٣٩١ / ب / ٢٧ / ٢٣١

١٤٩. روضه کافی: ٨ / ٢٤٠ / ٣٢٩؛ بحار الانوار: ٥٢ / ٣٣٦ / ب / ٢٧ / ٧٢

١٥٠. المستدرک: ٤ / ٦٠١ / ٨٦٧٥؛ رک: مسند أحمد: ١٠ / ٧١ / ١١١٠٦ و

ح ١١١٥٥؛ سنن ابن ماجه: ٢ / ١٣٦٦ / ٤٠٨٣؛ بحار الانوار: ٥١ / ٨٨ /

ب ٦

١٥١. مسلم ٢ / ٧٠١ / ١٠١٣؛ الجامع الكبير ترمذی: ٤ / ٦٩ / ب / ٣٦ / ٢٢٠٨؛

ابو یعلیٰ: ١١ / ٣٢ / ٦١٨١؛ ابن حبان: ١٥ / ٩٠ / ٦٦٩٧؛ المسند الجامع:

١٨ / ٣٨٦ / ١٥١٦٥؛ رک: المصنّف ابن أبی شیبہ: ٨ / ٦٢٧ / ٢٢٩؛

المستدرک: ٤ / ٥٥٩ / ٨٥٦٨؛ ٤ / ٥٩٨ / ٨٦٦٣؛ کمال الدین: ٢ / ٣٩٤ /

ب ٣٨ / ٤؛ بحار الانوار: ٥٢ / ٢١٢ / ٦٣، ٥١ / ٦٨ / ب / ١ / ٩ و ١٢ / ١٩٤ /

/ ب ٨ / ١٩؛ الامالی طوسی: ٢ / ١٢٦؛ عقد الدرر: ٢٠١ / ب / ٩ / ف ١؛

المجمع ٧ / ٦١٩ / ١٢٤١٩؛ المعجم الكبير: (٧٤٩٥)؛

١٥٢. الغيبة طوسی: ٤٤٣ / ٤٣٥؛ الارشاد: ٦٩٧ / ٤ / ٩؛ بحار الانوار: ٥٢ /

٢١٢ / ٦٣

١٥٣. الارشاد: ٧٠٢ / ف ٣ / ١؛ بحار الانوار: ٥٢ / ٣٣٧ / ب ٢٧ / ٧٧

١٥٤. عقد الدرر: ٧٣ / ب ٤ / ف ١ و ١٩١ / ب ٧ / ف ١؛ المستدرک: ٤ /

٥١٢ / ٨٤٣٨؛ المعجم الاوسط ٢ / ٤٧ / ١٠٧٩؛ المجمع ٧ / ٦١٧ /

١٢٤١٢ / بحار الانوار: ٥١ / ٨٢ / ٢٥

١٥٥. المستدرک: ٤ / ٥١٢ / ٨٤٣٨؛ عقد الدرر: ١٩١ / ف ١ / ب ٧ و ٩٢ / ف

١. ب ٤؛ كنز العمال (١٤ / ٣٨٧٠٨) ر.ک: المعجم الكبير ١٩ / ٣٢ / ٦٨

١٥٦. بحار الانوار: ٥٢ / ٢٩١ / ٣٤ و ٥٢ / ٣٩٠ / ب ٢٧ / ٢١٢؛ الغيبة

طوسی: ٤٧٣ / ٤٩٦ و ٥٠٥ قريب منه

١٥٧. الغيبة طوسی: ٤٧٥ / ٤٩٨؛ الارشاد: ٢ / ٣٨١ / ف ٣ / ١ از امام

صادق عليه السلام؛ بحار الانوار: ٥٢ / ٣٣٣ / ب ٢٧ / ٦١ و ٥٢ / ٣٣٩ / ٨٤ و ٥٨

/ ٩١ / ب ٨ / ١١ و ٨٣ / ٣٥٣ / ب ٨ / ٦ و ٨٣ / ٣٦٩ / ب ٨ / ٢٨ و ٨٣ /

١٠٤ / ٢٥٤ / ب ٢ / ٦

١٥٨. الارشاد: ٢ / ٣٨١ / ف ٣ / ١؛ الغيبة طوسی: ٤٧٤ / ح ٤٩٧؛ بحار الانوار:

٥٢ / ٣٣٧ / ب ٢٧ / ٧٧ و ٨٤ و ٥٢ / ٢٩١ / ٣٥؛ اثبات الهداة: ٣ / ٥١٧ /

ح ٣٧٣.

منابع و مأخذ

١. اسباب النزول / سيوطي / م ٩١١ هـ
٢. الاستيعاب في معرفة الاصحاب / ابن عبد البر قرطبي / دار
الكتب العلمية / بيروت / ١٤١٥ هـ / چاپ اول / ٤ جلدی
٣. اسد الغابة / ابن اثير جزري / دارالكتب العلمية / بيروت /
١٤١٥ هـ / ٧ جلدی
٤. الارشاد / شيخ مفيد / م ٤١٣
٥. اثابة الهداة / حر عاملی / المطبعة العلمية / قم
٦. الاصابة في تمييز الصحابة / ابن حجر عسقلاني / دارالكتب
العلمية / بيروت / ١٤١٥ هـ / چاپ اول / ٨ جلدی
٧. الامالی / شيخ مفيد / م ٣١٨
٨. الامالی / شيخ طوسي / م ٤٦٠ هـ
٩. بحار الانوار / دار احياء التراث العربي / چاپ دوم / ١٤٠٣ هـ
١٠. البداية و النهاية / ابن كثير دمشقي / بيروت / ١٠ جلدی
١١. تاريخ الكبير / اسماعيل بن ابراهيم الجعفي البخاري / دارالكتب

العلمیه / بیروت / ۹ جلدی

۱۲. تاریخ الیعقوبی / دار صادر / بیروت

۱۳. الجامع الکبیر ترمذی / دار العرب الاسلامی / بیروت / چاپ دوم

/ ۱۹۹۸ م / ۶ جلدی

۱۴. الخصال / شیخ صدوق / مؤسسة النشر الاسلامی / قم

۱۵. السنن الکبری / بیهقی / دارالفکر بیروت / چاپ اول / ۱۴۱۶ هـ /

۱۵ جلدی

۱۶. سنن الکبری نسائی / دارالکتب العلمیة / بیروت / چاپ اول /

۱۴۱۱ هـ / ۶ جلدی

۱۷. السنة ابن ابی عاصم / دارالصمیعی / عربستان سعودی / ۱۴۱۹ هـ

۲ / جلدی

۱۸. سنن ابوداؤد / دار ابن حزم / بیروت / چاپ اول / ۱۴۱۹ هـ /

۱ جلدی

۱۹. سنن ابن ماجه قزوینی / دارالفکر / بیروت / ۲ جلدی

۲۰. سنن دارقطنی / دارعالم الکتب / بیروت / چاپ دوم / ۱۴۱۳ هـ /

۲ جلدی

۲۱. سنن دارمی / دارالکتب العلمیة / بیروت / چاپ اول / ۱۴۱۷ هـ /

۲ جلدی

۲۲. سنن النسائی / دارالکتب العلمیه / بیروت / چاپ اول / ۱۴۱۷ هـ

۲ / جلدی

۲۳. سنن کبری نسائی / دارالکتب العلمیه / بیروت / ۱۴۱۶ هـ /

۶ جلدی

۲۴. سلسله الاحادیث الصحیحہ للالبانی

۲۵. سیر اعلام النبلاء / دار الفکر / بیروت / ۱۴۱۷ هـ / چاپ اول /

۱۷ جلدی

۲۶. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید / دار احیاء التراث العربی /

بیروت / چاپ دوم / ۱۳۵۸ هـ

۲۷. شواهد التنزیل / مؤسسه الاعلمی / بیروت / چاپ اول / ۱۳۹۳ هـ

۲۸. الصواعق المحرقة / مؤسسه الرساله / بیروت / چاپ اول /

۱۴۱۷ هـ / ۲ جلدی

۲۹. صحیح مسلم / دار احیاء التراث العربی / بیروت / چاپ اول /

۱۳۷۴ هـ / ۵ جلدی

۳۰. صحیح بخاری / دار القلم / بیروت / چاپ اول / ۱۴۰۷ هـ /

۴ جلدی

۳۱. صحیح الترمذی / دار عمران / بیروت / ۵ جلدی

۳۲. الطبقات الکبری / دارالکتب العلمیه / بیروت / چاپ اول /

١٤١٠ هـ / ٨ جلدی

٣٣. عقد الدرر / يوسف بن يحيى المقدسى السلمى

٣٤. الغيبة / نعمانى / مكتبة الصدوق / تهران

٣٥. الغيبة / طوسى / مؤسسه معارف اسلاميه / قم / چاپ دوم /

١٤١٧ هـ / ١ جلدی

٣٦. فضائل الصحابه / احمد بن حنبل / دار العلم للطباعة و النشر /

١٤٠٣ هـ / چاپ اول / ٢ جلدی

٣٧. الكافى / دار الاضواء / بيروت / چاپ اول / ١٤٠٥ هـ / ٨ جلدی

٣٨. كنز العمال / مؤسسه الرساله / بيروت / ١٤٠٩ هـ

٣٩. كمال الدين و تمام النعمة / مؤسسه النشر اسلامى / قم / ١٤٠٥ هـ

٤٠. كشف الاستار فى زوائد البزار / مؤسسه الرساله / بيروت / چاپ

دوم / ١٤٠٤ هـ / ٤ جلدی

٤١. مجمع الزوائد و منبع الفوائد / هيئتى / دار الفكر / بيروت /

١٤١٤ هـ / ١٠ جلدی

٤٢. مجمع البحرين فى زوائد المعجمين / هيئتى / مكتبة الرشد /

الرياض / چاپ سوم / ١٤١٥ هـ / ٩ جلدی

٤٣. مصنف ابن ابى شيبه / دار الفكر / بيروت / ١٤٢٠ هـ / ٨ جلدی

٤٤. المطالب العالىة بزوائد المسانيد الثمانية / عسقلانى / دار المعرفة /



بيروت / ١٤١٤ هـ / ٥ جلدی

٤٥. المسند الجامع / دارالجليل / بيروت / شركة الامم المتحدة /

كويت / ١٤١٣ هـ / ٢٠ جلدی

٤٦. المستدرک علی الصحيحين / دارالکتب العلميه / بيروت / چاپ

اول / ١٤١١ هـ / ٥ جلدی

٤٧. مسند البزار / مؤسسه علوم القرآن / سوريا / چاپ اول / ١٤٠٩ هـ

/ ١١ جلدی

٤٨. مسند احمد بن حنبل / دار الحديث / قاهره / ١٤١٦ هـ / ٢٠

جلدی

٤٩. مستدرک الوسائل / مؤسسة آل البيت / قم / ١٤١٤ هـ / چاپ اول

/ ٢٧ جلدی

٥٠. مسند ابو يعلى موصلى / دار المأمون للتراث / دمشق / چاپ

دوم / ١٤١٠ هـ / ١٦ جلدی

٥١. مسند الطياسي / دار المعرفة / لبنان / ١ جلدی

٥٢. المعجم الكبير / دار احياء التراث العربي / چاپ دوم / ١٤٠٥ هـ /

٢٥ جلد

٥٣. المعجم الاوسط / مكتبة المعارف / الرياض / ١٤٠٥ هـ /

١٠ جلدی

٥٤. المعجم الصغير / دار الكتب العلمية / بيروت / ١٤٠٣ هـ
٥٥. مقدمة ابن خلدون / دار احياء التراث العربي / بيروت / ١٤٠٨ هـ
٥٦. الموطأ / مالك بن انس / دار الفكر / بيروت / چاپ اول / ١٤١٩ هـ
١ / هـ جلدی
٥٧. المتفق و المفرق / خطيب بغدادی / دار القادری / دمشق / چاپ اول / ١٤١٧ هـ / ٣ جلدی
٥٨. نهج البلاغه «امام علی عليه السلام»
٥٩. وسائل الشيعة / دار احياء التراث العربي / بيروت / چاپ ششم / ١٤١٢ هـ / ٢٠ جلدی
٦٠. ينابيع المودة / مؤسسه الاعلمی / بيروت / چاپ اول / ١٤١٨ هـ